



دوشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ بهاء : ۲۵ ریال

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

تردید نیست که شاه خائن را باید بازگرداند
و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار
صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی
ناچیز از خواسته‌های ضد امپریالیستی
توده‌های مردم است.

رفراندوم قانون اساسی "خبرگان" و موضعگیری‌های نیروهای مختلف سیاسی درباره آن (۱)

تا سوعا و عا سورا ، فربا دمگ سر
آمریکا ، سر دادند ، و درست در
لحظاتی که امپریالیسم خونخوار
آمریکا ، تلاشهای مدوخته‌ای را
بقیه در صفحه ۲

سراخام درست در شرایطی که
حروش صدام امپریالیستی خلقهای ما
میهن ما را به لرزه درآورده است ،
درست در شرایطی که میلیونها نفر
ارتوده‌ها در راه میمائی‌های روز



گرامی باد خاطره سالگرد
شهادت
۱۵ رفیق قهرمان

صفحه ۲۱

چگونه بورژوازی ، کارگران مبارز و حق طلب را تهدید میکند؟ (مروری بر پیام شورای انقلاب)

صفحه ۱۶

هشدار به تمام نیروهای انقلابی ، توده‌های آگاه و بویژه خلق بلوچ!

امپریالیسم و جانهای محلی در
صدد توطئه بر علیه خلق آند

در تلافی برای نگهداری موقعیت اجتماعی و
سیاسی خود و دومی در جهت حفظ وابستگی و
نفوذ متزلزل شده این به تلافی سخت دست در دست
هم برداخته اند . بقیه در صفحه ۹

امواج شوس و خروشان مبارزات ضد
امپریالیستی خلقهای ایران ، نیروهای بی‌غایت
ارتجاعی بومی و امپریالیستهای حیابخسوار
را بیکبار بهراس و وحشت انداخته است . اولی

صفحه ۱۴

صفحه ۱۵

صفحه ۸

صفحه ۱۲

■ مدنی کیست ؟ (قسمت آخر)

■ ریشه‌های بحران مسکن در ایران

■ جنبش دانش‌آموزی

■ شیوه برخورد پرولتری با خرده‌بورژوازی ؟ (قسمت آخر)

بار دیگر زلزله در خراسان عده -
ای از هموطنان ما را به هلاکت رسانید .
این نیز از نتایج نظام طبقاتی
که فقر و ستم را بر سمیت می‌شناسد ،
می‌باشد . ما این ضایعه را به هموطنان
مبارز مخصوص خلق ستمدیده ، نواحی
زلزله‌دیده ، خراسان تسلیم می -
گوئیم .

جنبش گاوگری

- سود ویژه و توطئه قطع آن
از جانب "وزارت کار"
- چند خبر از کارخانه "چوکا"
- حمله و حشیانه اوباشان به
کارگران و کارکنان "آبپرسلان" رشت
- اقدام انقلابی کارگران کارخانه
آلیاژاراک
- سندیکای ضد کارگری
شادان پور را بشناسیم

صفحه ۳

امپریالیسم آمریکا را در هر جا که هست در هم بکوبیم

فرباد " مرگ بر امپریالیسم آمریکا ،
دشمن اصلی خلقهای ایران " در سراسر کشور
طنین انداز است . مردم ایران بدرستی
مسئله اصلی سالهای طولانی رنج و غقتان ، کشتار
و سرکوب خود را در وجود امپریالیسم جهان -
خوار آمریکا مجسم دیده اند و از همین روست که
از هیئت حاکمه میخواهند و بر این خواسته
بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

رفرانندوم ...

برای محاصره اقتصاد ما وزدیدن ثروتهای ملی ما انجام میدهد ، قانون اساسی ای که هیچوجه با خرد صدامیربالیستی خلق ما بیگانه را آن سرعلیه امیربالیسم آمریکانطبق ندارد ، بهر فراندیم گذاشته اند ! توده های مادرکوجه و حبا سان چه میگویندوجه میخواهند ، واین قانون کدائی به آنها چه می دهد ؟ زحمتکشان مادرکارخانه و مرع دردشان چیست ؟ واین قانون کدام دردشان را علاج میکند ؟

— خلقها میگویندسلطه امیربالیست ها و قتل ار همه امیربالیسم آمریکا قطع گردد ، سرمایه های امیربالیسمها و نوکران داخلی آنها به نفع خلق مضاعف گردد ، اما قانون اساسی هیچوجه چنین خواستی را قبول ندارد ، وحتی از سر بردن اسم دشمن اصلی خلقهای ما ، و بردن اسم امیربالیسم بیرون دارد !

— ۱۱ میلیون نفر خلقهای غیر فارسی خواستار خود مختاری هستند و با هر یکو کنیم ، تنها سرمایه ست ساختن حق تعیین سر به ست برای خلقها ، میتوانستیم اتحاد جماهیر خلقها اعمار تارین و غیر فارسی باند ، و بدین ترتیب در انجا منافع نامایی خلقهای ایران مطرح است ، اما قانون اساسی طبق اصول ۱۲ و ۱۵ و ۱۹ و ۱۰۰ و ۱۰۳ این حق را برای ۱۱ میلیون ا خلقهای ما به رسمیت نمی شناسد و حتی بیس مذهب سیده و سی سرشعیست قائل شده است !

— سها با تضمین براری حقوقی ران با مردان است که میتوان ا وجود دموکراسی برای تمامی از مردم حرف را ما طبق اصول ۲۰ و ۱۱۵ ، برابری ران با مردان نفی شده و ران در موقعیت پست تری نسبت به مردان قرار گرفته اند .

— خلقهای مایس از سالیان دراز زندگی در زیر یوغ دربار پهلوی خواها ن حق حاکمیت بر سر ثروست خویش اند ، اما در این قانون اساسی با وجود پها دهائی چون ، " ولایت فقیه " و " شورای نگهبان " و بر طبق اصول ۴ و ۵۷ و ۷۲ و ۹۳ و ۹۶ و ۱۰۷ و ۱۱۰ حاکمیت خلق ، زیر پا گذاشته شده است .

— خلقهای ما خواستار ، بهداشت و درمان رایگان ، آموزش اجباری و رایگان هستند ، اما این قانون

بقیه در صفحه ۱۹

بقیه از صفحه ۱

امیربالیسم آمریکا را ...

خود با فشاری میکنند که باید گامهای عملی و یوتری در جهت نفی سلطه و یوغ غارتگرانه امیربالیستها برداشته شود ، اینکه اصولا آیا هاب حاکمیت فعلی میتواند به خواست خلق پاسخ دهد ، اما امری است که ما را هرا بدان پرداخته ایم و کارنامه ۹ ماهه هیئت حاکمه فعلی نیز بصورت ملموس و آشکار نشان

امیربالیسم آمریکا دارد ، همچنان در خدمت آشیای بوده و مستقیم و غیر مستقیم مجبوری سیاستهای بناگاون خواهد ماند .

نگاهی به اوضاع ارتش در سالهای گذشته نشان میدهد که این دستگاه خدمتگزار امیربالیسم چگونه از یک سو وسیله ای برای غارت و جباول ثروت و جباول ثروتهای ملی و تشدید وابستگی به آمریکا و از سز دیگر جفا ق سرکوب خلقهای ایران و منطقه بوده است .

بیراز کودتای فذخلقی ۲۸ مرداد که به

● نگاهی به اوضاع ارتش در سالهای گذشته نشان میدهد که این دستگاه خدمتگزار امیربالیسم چگونه از یک سو وسیله ای برای غارت و جباول ثروت های ملی و تشدید وابستگی به آمریکا و از سز دیگر جفا ق سرکوب خلقهای ایران و منطقه بوده است .

بقیوط دولت ملی دکتر محمد اجمامید ، و دربار وطن ثروتهای ملی دست آمریکا و انگلیس ، محدد ا سر مست قدرت نیست ، بندر چ با نام ساء دیکماتوری محدودیتائی بی شکل گرد نیست و طی ۲۵ سال ایران راه رشدانی بزرگ بدل ساخت ، راه که همچون پدرش با کمک ارتشش بروی کار آمده بود ، بنوبه خود با نفوذ و تسلط حو آسای ارتش با بهای قدرت خود را تمام بخشید ، و با اینکه بران چوب خراج بر ثروتهای ملی ایران زد ، ارتش شاه که با خراج مردم و سرطیس مردم نان بدان مایس شده بود ؛ بیضا به عمده بر سر وسیله نامشین کنترل سائی ایران ، سود امیربالیستها و در خدمت منافع آشیای کار گرفته میشد ، دستگاه ارتش همچون هسولای جری با بدبوری هواره شست عمده درآمد ملی ما را مایسید ، بمسوان سال در بودجه سال ۵۴ منارج نظامی ۵۰ درصد از کل بودجه را خود احتیاج داده بود و اس در بد در حالی بود که در حال انمال امور کشاورزی مملکت نسبتا ۲ درصد از کل بودجه سهم داشت !

سیاست خامن برپا داده شاه خاش نه سها همدا به قسمت میدهد ؛ از درآمد بد بددا راه حید امیربالیستها و در ران آن آمریکا سارمی گرداند ، بلکه بنوبه خود وابستگی هر چه بیشتر ایران راه آمریکا تشدید میگردد ، غالب سلاچائی که به ایران غارت زده فروخته میشد ، بلافاصله خیلی از کارشامان (بخوان خامسوان) آمریکائی را بدشمال خود سسه ا رانان می آورد ، و ناره ارتش ایران هنوز دنون بکارگیری این سلاچا را نیا بوخته بود که نا سوجدیه تکنیک متحول صنعتی و بخصوص در بخش نظامی این سلاچا از دور خارج می شد و هنوز آخرین بمولدهای سفارشات قبلی به ایران بر سیده ، سفارشات جدیدی با اصطلاح برای مدرنیزه کردن ارتش در دستور قرار می گرفت .

نفت ، این مهمترین منبع درآمد ملی ما ،

بقیه در صفحه ۱۸

داده است که تاجه حد اس ثوری یولادین که تنها و تنها طبقه کارگر میتواند انقلاب دمکراتیک راه سراجام برساند درست بوده و در انقلاب ما منداق بارری پیدا کرده است ، هرچند که اینجا و آنجا ، نظیر روزگانی که در آن قرارداد رسم ، و تحت شرایط معین (که قبلا بدان پرداخته ایم) هما جنگهای راز و جانب قدرتمندان با جرحی از خواستهای خلق شاهد باشیم ، اما اینها هیچکدام نخواهند توانست ذره ای از اهمیت این حقیقت آشکار که در ۹ ماه اخیر هیئت حاکمه مانع رشد و ادامه انقلاب بوده است ، بکا هد .

در شرایط فعلی ، توده ها با قلی آکنده از خشم و نفرت به امیربالیسم آمریکا ، از چنان سرو و شوان انقلابی برناری برخوردار اند که هر سر و شرا که بخوا حدسدی در برابر راه جش ا و گمبیده حد امیربالیستی میهنمان ایجاد نماید ، زیر گامهای سنگین و استوار خود ، خرد و نابود خواهند نمود ، چنین است که توده ها مصر آخواهان آشنده که تمامی بندهای امارت و بندگی امیربالیستها و در ران آن امیربالیسم آمریکا از هم گشته شود .

امیربالیسم آمریکا طی سالها سلطه بی چون و چرا ی خود بر سر ثروست خلقهای ایران ، کشور ما را در همه زمینه های اقتصادی ، نظامی و فرهنگی با بندهای مرئی و با مرئی به انحطاط ات امیربالیستی خود وابسته نموده است ، بنحوی که رهائی از یوغ امیربالیسم ، بدون گسستن تمامی این بندها بمسرو مقذور نیست ، از جمله این بندهای وابستگی و در حقیقت یکی ارمیمترین آنها ، ارتش و دستگاه نظامی عریض و طولی است که بنوبه امیربالیسم آمریکا سازمان یافته و طی سالهای طولانی حکومت جبارانه شاه ، همچون جفا قی در خدمت امیربالیستها ، و در جهت نامن منافع غارتگرانه شان عمل مینموده است ، این ارتش در حقیقت یک ارتش بی تمام معنی آمریکایی بوده که اگر چنانچه ساخت آن از ریشه دگرگون نشود ، با تمامی وابستگیهای شناختنی که با

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

جنبش کارگری



و در زندگی روزمره جانب کارگر را بگیرد؟
بیرواضح است که چنین چیزی معقول نیست،
تجربه مبارزات کارگران در سابق و دنیا و
در کشور خودمان بنام کارگران استوار
می آموزد که کارگران تنها با انکاب و نیروی
خود و با تشکیلات خاص خود می توانند حق خود
را بدست آورند.

حمله وحشیانه اوباشان به کارگران و کارکنان "آیرپرسلان" رشت

ساعت ۶ صبح روز شنبه ۴ آذرماه هنگامی
که کارگران شیفت اول کارخانه "آیرپرسلان"
رشت وارد کارخانه می شوند بر درودیوار
کارخانه شعارهای چون:

مرگ بر اغای شورا...
روبرو می بیند و یک ساعت و نیم بعد از آن در ساعت
۷/۵ با شعار نویسان که اینبار دیگر بجای
ماژیک چماق، چاقو و پنجه بکس در دست
داشتند و روبرو گشتند، اوباشان تحت
پوشش سیکاران محله و بافتن کار، چشون
سپاهان مغول با دو مینی بوس به کارخانه
ریختند و کارگران و کارمندان مبارزو اغای
شورا را که بطور قطع فعلاً شناسایی کرده
بودند و محروم و مجروح کردند بطوریکه برخی
از مجروحین زایه بیمارستان شدند. اوباش

شان بعد از انجام ما موریتشان توسط سپاه
باسداران و ژاندارمها با ملایمت پراکنده
شدند. و این "ملایمت" بهیچوجه تعجب
کارگران را برنمی انگیزد زیرا که آنها بارها
دیده بودند که اوباشان خود از همان پاسدا
راستند و با ازرقا و باران آنها میباشند و
اینبار هم در اینجا آنها با چشمان خود دیدند
که "حسن شاهدانی" یکی از اوباشان که در
آغاز حمله اوباشان آنها را همراهی میکرد و به
کارگران زن و دختر حمله میبرد با ژاندارمها
والدین پس از انجام عملیات و در لباس
ژاندارمی برای کمک!! به کارگران آمده
بود و البته وقتی رژیم فدکا رگرو حامی
سرمایه دار است از پاسداران و ژاندارمها
و مدافعین جز این انتظار نیست.

چند خبر از کارخانه "چوکا"

● کارگران بخش تخته چندلانی و سنا سنگ
چوب کارخانه چوکا از روز ۵۸/۹/۴ به علت عقد
افتادن حقوق خود و بدقولی مدیرعامل نسبت
به انجام تسدات دست از کار می کشند. بدینسان
اعتصاب این بخش، مدیرعامل، نماینده
کارگران بخش را میخواهد و او را تهدید میکند
که با بیدکارگران را سرکوب و زکوداند و
با ازمنایندگی استعفا دهد و گرفته اخراج
خواهد شد. نماینده کارگران که از این
فناال شورا میباشد. موضوع را عیناً با کارگران
در میان میگذازد و کارگران ضمن تأیید مجدد
وی و خواست رفع تعرض و تهدید از اوسر روی
پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده. خود از
جانب کارخانه با ادامه اعتصاب خود با فشاری
میکنند.

● کارگران بخش کاغذ کارخانه چوکا از
سرپرست بخش، فردی بنام "جاودانی" بدلیل
اعمال فدکاری او، سوء استفاده های مالی
انجام شده از طرف او، به مدیریت و شورا
شکایت میکنند و خواهان اخراج وی می شوند.
شورای کارکنان پس از تحقیق، خواسته
کارگران را صحیح تشخیص داده و خواستار
اخراج سرپرست مذکور میشود ولی سرپرستان
کارخانه و مدیرعامل از وی پشتیبانی می
کنند. پس از مدتی کشمکش و با درمیانی
دادستانی انقلاب (مدالینته به حمایت از
مدیرعامل و سرپرست مزبور) و نیز تهدید
به استعفا از دست جمعی سرپرستان به حمایت از
"جاودانی"، کارگران با فشاری بر روی خواست
خود و به یاری اتحاد و تشکل خویش توانستند
"جاودانی" را بیرون کنند.

● مدیرعامل کارخانه چوکا با همکاری
دادستان انقلاب بندرانزلی بطور مرتجع
نمایندگان کارگران را تهدید به اخراج می
نماید تا از این طریق آنها را وادار به
استعفا از نمایندگی کنند و بدینوسیله شوری
کارکنان را از هم بپاشند، اما به علت حمایت
کارگران از نمایندگان آنان که در جهت احقاق
حقوق کارگران و کارمندان چوکا فعالانه مبارزه
میکنند، مدیرعامل نتوانسته است کاری از
پیش ببرد و علیرغم اینکه حدود ۲ ماه است
این شورا از جانب استانداری و دادستان
انقلاب انزلی غیر قانونی اعلام شده، بکار خود
ادامه میدهد.

سندیکای ضد کارگری شادان پور را بشناسیم

ما هیت ضد انقلابی و فدکاری سندیکا بیشتر
پی خواهیم برد. کارگران آگاه کارخانه
شادان پور بخوبی فهمیده اند که در مقابل
با کارفرمایان و سندیکای آنان تنها راه
اتحاد و تشکل است و آگاه کردن کارگران
دیگر به ما هیت سندیکا و کارفرمایان و رژیم
حاکم آنان، رژیمی که توسط کمیته ها و وزارت
کارش همیشه حق را بدکارفرمایان میدهد. مثلاً
در مورد همین سدکارگرا خراجی از کارخانه
شادان پور، قدر به کمیته و اداره کار رجوع
کردند؟ قدر از آنها قول و قرار شنیدند؟ ولی
نتیجه چه بود؟ هیچ! حتی یکی دوبار کمیته
آنها را بازداشت و تهدید کرد. اداره کار هم
رک و راست گفت که کارفرما طبق ماده ۳۳ قانون
کار می تواند هر زمان که بخواهد کارگر را
اخراج کند و بدین ترتیب آب پاکی را ریخت
روی دست آن سرعقیق کارگر و در واقع روی دست
تمام کارگرانی که فکر می کنند از طریق
مراجعه به وزارت کار و با کمیته ها می توانند
به حقشان برسند و با توصیه این با آن مقام
حکومتی گره از کارشان بامی شود. آخر مگر
می شود رژیمی مدافع سرمایه داران باشد
و در قانون اساسی اش بطور آشکار و صریح از
سرمایه داری دفاع کرده باشد و آنگاه در عمل

به منقرا کارگران کارخانه "شادان پور"
بخاطر سوالی!! که در یک جلسه کارگری در
کارخانه از یکی از مسئولین مزدور بدنام
فرج بخش نمودند، با هر سوئی کارگری و در
واقع بوسله سندیکای فدکاری کارخانه
اخراج شدند. این کارگران علیرغم کوشش های
زیادشان و با اینکه توانسته اند همدردی و
حتی در مواردی حمایت کارگران دیگر را جلب
کنند ولی بخاطر نا آگاهی اکثریت کارگران
و عدم تشکل آنها موفق نشده اند در مقابل کار
فرما و سندیکای حامی کارفرما به حقوق حق
خود برسند. سندیکای فدکاری کارخانه
شادان پور تهدید کرده است در صورتیکه این
کارگران به درخواست مجدداً بکار بازگردانده
شوند، استعفا خواهد داد. این سندیکا همچنین
دیگر کارگران را تحت فشار قرار داده و آنها
را تهدید کرده است که در صورتیکه از کارگران
اخراجی حمایت کنند، اخراج خواهند شد. وقتی
شوخی کنیم می بینیم که "جرم" کارگران
اخراجی این بوده است که گفته اند: "حق میکنم
و خواهرها را بیدار فافه شود" با "فرج بخش"
با صلاح نماینده کارگران! در هیئت مدیره
نه کارگزار است و نه داری کارخانه کار می کند
و نمی تواند نماینده ما کارگران باشد "به معنی

حق بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم حق کارگران شاغل

سود ویژه و توطئه قطع آن از جانب "وزارت کار"

هیچگاه علناً ترا اعلام نمیکنند) و در واقع هدف دولت و "وزارت کار" تنها فقط فریب آنها و استعمار بیشتر آنها می باشد.

کارگران بخوبی می دیدند که محاسبه سود ویژه هیچ ربطی به مقدار سود کارخانه ندارد و مثلاً برای برچند ماه مزد کارگر و یا درصدی

حق اولاد، حق خوار و بار و... می باشد. کارگران بخوبی میدانند که مزد رسمی شان نمی تواند حداقل زندگی آنها را تامین کند و "سود

سود ویژه و توطئه قطع آن از جانب "وزارت کار" امروزه تقریباً تمام کارگران به این حقیقت پی برده اند که سرمایه داران نه تنها بهای واقعی نیروی کار کارگران را نمی پردازند، بلکه نامی توانند با کمک دولت حمایتان، حق کارگران را بیشتر می خورند و می توانستند استعمار آنها را بیشتر میکنند تا سود بیشتری را با بدخوش سازند. اصولاً اگر سرمایه دار بهای واقعی نیروی کار کارگران را تمام و کمال می پرداخت، آنگاه معنای وجودی خویش را از دست می داد و دیگر سرمایه دار نبود! چرا که وجود سرمایه دار وابسته به استثمار کارگران و دزدیدن حقوق آنها، می باشد. از این واقعیت، این نتیجه بدست نمی آید که "پس سرمایه دار هر قدر دلش خواست به کارگران می دهد" خیر، سرمایه دار برای پرداخت مزدی که در قبال استثمار کارگران می پردازد، مغبور به رعایت حدود است. و اما این حدود چیست؟

کارگران بخوبی میدانند که حقوق همه کارگران یک صنف مشخص، تقریباً با هم برابر است. مثلاً یک نفر شاگرد کارخانه در کارخانه ایران تا سونال کار میکند تقریباً همان قدر می گیرد و فیس کارگرش با همان میزبان شخص، در کارخانه سنروشن می گیرد. تراستی علت چیست؟ و اصولاً چرا مزد تمام کارگران این قدر کم است؟ واضح است چونکه سرمایه داران آنقدر به کارگران مزد می دهند که آنها نتوانند با این حداقل احتیاجاتشان به زندگی بخور و نمیر خود را بدهند. یعنی کارگران فقط آنقدر مزد می گیرند که هم نتوانند سیروشی را که در حین کار کردن صرف میکنند خیران نمایند و هم حداقل زندگی را برای زن و بچه شان فراهم کنند. هم نتوانند روز دیگر در کارخانه حاضر شده و دوباره توسط سرمایه دار استثمار شوند و هم نسلشان بعنوان "ارشد کار" که منبع استثمار و سود رسانی برای سرمایه دار است، قطع نشود. نگاه به زندگی پیرامون منقذ طبقه کارگر و اینکه کارگران حتی برای یک روز زندگی خود پس اندازند و اندوا گریک روز کار نکنند نمی تواند چرخ زندگی خود را بچرخاند، بروشنی نتیجه گیری فوق را ناشد می کند.

از آنجا که به بالا رفتن آگاهی و شکل کارگران و پی بردن آنها به نیروی عظیم و تاریخ ساز اتحادشان، کارگران به مبارزه بر علیه سرمایه داران و گرفتن حق خود از جنگ آنان، می پردازند، سرمایه داران همیشه در جستجوی یافتن راه هایی هستند که اولاً جلوی آگاهی و اتحاد کارگران را بگیرند و ثانیاً نتوانند بیشتر آنها را استثمار و رکود و سود بیشتری را بحیث خود بسازند. یکی از این راه ها که برای کمزور کردن کارگران و فشار بیشتر بر آنهاست، تقسیم مزد آنها به چند قسمت "مزد رسمی" و "سود ویژه"، حق ممکن،

هدف سرمایه داران از تقسیم مزد به "مزد رسمی"، "سود ویژه"، "حق مسکن" و... چیست؟

به کارگران می گویند چون "سود ویژه" "طاغوتی" است، آنرا نمی دهیم و فردا لابد خواهند گفت چون "حق مسکن"، "حق اولاد" و... "طاغوتی" است پس آنرا هم نمی دهیم!

از مزد روزانه، اوست که تعداد این ماه یا هر ماه مدد مزد روزانه هم نه سود سرمایه دار، بلکه مبارزه کارگران تعیین میکند. از آن گذشته کارگران که خود مستقیماً با تولید و مخرج آن و نیز قیمت فروش محصولات کارخانه، سروکار دارند، براحتمی می بینند که سود کارخانه نه سرمایه دار، خلی بیشتر آن است که او انمود می شود.

هدف سرمایه داران همواره سود بیشتر است و از این رو با آنها و شیوه های مختلف می کوشند تا مزد کمتری به کارگران بپردازند. یکی از این راه ها همین مسئله تقسیم دستمزد به "مزد رسمی" و "سود ویژه" و... می باشد. آنها اگر از مزد رسمی کارگران بکسر کنند، دیگر نمی توانند آنها را فریب داده و عمل خود را توجیه کنند و لایحه، حتم کنند کارگران را (حتی کارگران نا آگاه) بخواهند بگفت و کار دستان خواهند داد! سرمایه داران با کم کردن از "سود ویژه" در واقع از مردم کارگران دزدی میکنند و برای این منظور "بانه های" زیادی هم دارند. مثلاً می گویند که "چون سود کارخانه کم شده و محصولات بفروش نمی رسد، بنا بر این سود ویژه کمتری بشما تعلق میگیرد" حال آنکه ما نشان دادیم که سود ویژه اصلاً

ویژه، "حق مسکن، حق اولاد و... بولی است که کافی نبودن دستمزد رسمی روزانه را برای تامین حداقل احتیاجات روزانه، جبران میکند. مقروض بودن همگی کارگران، حواله کردن قروض خود به پرداخت سود ویژه و...، تا این بسیاری از احتیاجات اولیه از قبیل خورد و خوراک، پوشاک، کرایه خانه و... به وسیله دریافت سود ویژه و... کاملاً نشان میدهد که بدون پرداخت همه قسمتهای مزد کارگران قادر به تامین حداقل احتیاجات خود برای زندگی نیستند و در واقع سود ویژه قسمتی از مزدشان است که بصورت دیگری پرداخت میشود. اما سببیم چرا سرمایه دار این کار را میکند؟ در زمان رژیم چنانکار شاه خان، همیشه می گفتند که گویا پرداخت سود ویژه به کارگران برای بالا بردن بازدهی کار است. و گویا برای اینست که کارگران خودشان را به اصطلاح در سود کارخانه شریک ببینند و برای حفظ مائین ها و مواد خام و بالا رفتن مقدار تولید و در نتیجه بالا رفتن سود بکوشند! ولی این حیلها - هاشنها عده ای از کارگران نا آگاه را از چشم برای مدت کوتاهی فریب داد و کارگران خیلی زود فهمیدند که سود ویژه به هیچوجه ربطی به سود کارخانه ندارد (سودی که سرمایه داران



زمانی که طبقه کارگر هدایت چرخهای انقلاب را بدست گیرد انقلاب تا به آخر ادامه خواهد یافت.

مزدکاران را زبانه‌دیده‌اند و بدینگونه این خود آنها بودند که در اثر مبارزات و ازاجان گذشتگی‌های خود سرمایه‌داران و بنایندگانشان یعنی شما (دولت و وزارت کار) را مجبور به دادن قسمتی کوچک از حق خود نمودند و مسلم اگر تنگدل و آگاهی لازم را میداشتند حکومت را هم در دست می‌گرفتند و دیگر جانی برای مفتخوران سرمایه‌داران و پادشاهان باقی نمی‌ماند. ثانیاً بسا از دنیا درس‌ها آموختند و نایابی برخی از اجناس که در اشرافه‌ها، بچران اقتصادی گذشته می‌باشد و شما قادر به حل آن نبوده و نیستید در واقع روز بروز قدرت خرید زحمتکشان را کم‌کم کرده و بسا در دیگر مزدآنها پاشین می‌آید. دلیل این موضوع را در سطح زندگی کارگران میتوان مشاهده کرد که اگر گذشته بدتر نشده باشد، بهیچوجه بهتر نشده (تازه‌بادر نظر گرفتن مبارزات عظیمی که طبقه کارگر برای رهایی از وضع مشقت بار خویش انجام داده است).

از این حرف‌ها گذشته اگر طبق ادعای مقامات دولتی و سرمایه‌داران و حقوق کارگران دوسه (!) برابر شده است، پس قاعدتاً سطح زندگی و رفاه آنها نیز می‌بایست به همین میزان ترقی کرده یا خود دیگر ما هدیه می‌کنی، عدم بهداشت، سوء تغذیه و... که دست به گریبان کارگران بوده و هست، شما نباید، در صورتیکه کارگران بخوبی با پوست و گوشت خود، گمانان مشقات گذشته را حتی به میزان بیشتری احساس میکنند کارگران مبارزان و آزاده‌ها! از این مطالب نتیجه می‌گیریم که سرمایه‌داران و دولت حامی-شان در درددانجام زحمتکشی‌های دیگر بر علیه زحمتکشان و طبقه کارگران بران هستند، و آنهم قطع "سودویزه" در کارخانه‌هاست که در واقع جزئی از دستمزد کارگران و از حقوق مسلم آنهاست. بنا بر این برای خنثی کردن این توطئه رژیم هر چه بیشتر به افشگری در این مورد پرداخته و ذهن برادران و خواهران ناآگاه خود را روشن نماید. مفوف خود را هر چه بیشتر گریخته و اتحاد خود را در مقابل سرمایه‌داران و نفیاق-افکنشهای آنها حفظ کرده و به مبارزه بر علیه این توطئه، ضد کارگری بپردازید. رژیم فعلی که با استفاده از ناآگاهی و احساسات پست مدعی زحمتکشان، تاکنون بر سر دست زحمتکشان زده است، سعی خواهد کرد با استفاده از این عوامل در جهت ایجاد تفرقه در صفوف شما تلاش کرده و نهایتاً شما را در مرحله عمل درآورد. شما با آگاه کرده رفقای خود و مشکل شدن هر چه بیشتر است که میتوان جلوی این توطئه هیئت حاکمه را گرفت و نگذاشت تا قسمتی از مزد شما کارگران زحمتکشان را بسا وین مخلف گیرند.

هر چه بیشتر تر با صفوف کارگران و زحمتکشان تنگ و تنگتر بر جای و لگروان حقوق کارگران و زحمتکشان

آورده بودند، این میوه چنان انقلاب پس گرفتند. (برای مثال شطیل پنجشنبه‌های کارگران قهرمان نفت را نفو کرده‌اند) همین طوری بلندگوهای کرکننده‌شان شب و روز را جمع به بالا بردن دستمزد کارگران و تعیین دستمزد حداقل ۵۶۲ ریال در روز برای کارگران سر و صدا برآوردند، بطوریکه عده‌ای از کارگران بی اطلاع و ساده دل را توانستند بغربینند، در صورتیکه میدانیم تورم از دیاد شونده، جامعه که با عث بالا رفتن سرسام آور قیمت محصولات و اشیاء زندگی شده است، روز بروز قدرت خرید کارگران و زحمتکشان را پاشین می‌آورد. مثلاً اگر کارگری دوسال پیش بسا روزی ۳۰ تومان بزمخت زندگی بخور و نمیری را می‌گذرانید، اکنون با ۶۰ تومان در روزها ن زندگی حداقل را هم نمی‌توانید گذرانید، (توجه به بالا رفتن سریع قیمتها و حتمی کمبایی برخی اموال و اشیاء زندگی و مقایسه آنها با گذشته بروشنی این مسئله را ثابت میکند).

ولی ای کاش کار به همین جا ختم میشد! اخیراً هیئت حاکمه و "وزارت کار" درصدد توطئه جدیدی هستند تا با هم بیشتر از درآمد ناچیز کارگران بکا هند و بیشتر جیب سرمایه‌داران را لولوفت را بپر کنند. اخیراً نمایندگان "وزارت کار" در چند کارخانه مطرح کرده‌اند که "چون سودویزه برای فریب کارگران بوده و طاعونی است و از آنجا که ما مزد کارگران را زیاده کرده‌ایم، دیگر احتیاج به سودویزه نیست و نیاید پرداخت شود!!" اینهم یکی دیگر از چهره‌های کره‌شده کارگری رژیم حاکم! بسا کمال و قاحت می‌خواهند حق را که کارگران دلیر ما با مبارزات پر شور خود از چنگال جنایتکار شاه بیرون آورده‌اند، براحثی از آنها پس بگیرند و آنهم زیر لولای طاعونی بودن این حق! لابد فردا هم خواهند گفت: "اموال چون حق مسکن و حق اولاد" و... برای کارگران در زمان طاعون صورت می‌گرفته، امری "طاعونی" است و نیاید پرداخت شود! از این تازه بهی قدرت رسیدگان ضدمردمی و اقلاً بعید نیست! این آقایان نمیدانند و نمی‌دانند شما از دستمزد گرفتن سودویزه که در واقع جزئی از مزد ناچیز کارگران است، در اشرافه‌ها مبارزه کارگران و بهیهای مدها شهید و شکنجه شده و زندانی کشیده بدست آمده و در واقع جزئی از دستمزد ناچیز کارگران است که بدون آن حتی نمی‌توانند حداقل زندگی بخور و نمیر خود را اداره کنند.

در جواب این حرف‌ها که "در عوض ما حقوق شما را زیاده کرده‌ایم و سودویزه را داخل مزد رسمیتان کرده‌ایم..." بسا بد گفت اولاً شما



ارضا بی به سود کارخانه نداد و تقسیمی از دستمزد کارگران است وین.

همچنین سرمایه‌داران از تقسیم مزد واقعی کارگران به چند قسمت مزد رسمی و "سودویزه"، حق مسکن و... در موارد دیگر نیز استفاده و سود می‌برند. مثلاً میزان پرداخت اضافه کاری و با حق اخراجی و... بر حسب "مزد رسمی" حساب میکنند و نتیجه مبلغ کمتری را از مزد "واقعی" کارگر، به اومی پرداخت (البته منظور از مزد واقعی، همان مزدی که خود کارفرما تعهد کرده که بپردازد، نه مزدی که واقلاً حق کارگران است).

از مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که در زمان رژیم ضد کارگری و آدمکش پهلوی که حامی سرمایه‌داران و وجهانخواران بود، سرمایه‌داران برای استثمار هر چه بیشتر کارگران، مزد آنها را به چند قسمت "مزد رسمی" و "سودویزه" و حق مسکن و... تقسیم کرده بودند. حال ببینیم بعد از قیام قهرمانانه خلقهای ایران و بعد از دهها هزار شهید و زخمی دادن توده‌ها، چه تاثیر مثبتی در زندگی زحمتکشان بخصوص کارگران که ستون انقلاب بوده و هستند، حاصل شده و دولت فعلی چه تلاشی برای راد جهت خواسته‌های کارگران انجام داده است؟ هیئت حاکمه فعلی از آنجا شکیکه نه تنها نماینده زحمتکشان جامعه نیست، بلکه غالباً از نمایندگان سرمایه‌داران تشکیل شده، بنا بر این روشن است که نمیتواند از منافع زحمتکشان و کارگران ایران حمایت کند و در واقع در دعوی کارگر و سرمایه‌دار، همیشه جانب سرمایه‌دار را گرفته است و تمامی مدت ۹ سال، حکومتش این موضوع را در همه جا بنمایش گذاشته است.

به گلوله بستن کارگران در افغانستان و شهران و خرم‌دره و... کشتاردهقان و خلقهای کرد و ترکمن و عرب و... سرکوب نیروهای انقلابی و ایجاد جوسا و سوروخقان و بستن مطبوعات مترقی و گذراندن قانونهای ضد کارگری، حمایت از سرمایه‌داران و وابسته و سرمایه‌های امپریالیستی، عدم لغو قرار دادهای امپریالیستی و... همه و همه نشانگر ما هیئت ضد انقلابی و ضد کارگری رژیم حاکم بوده و به وضوح وابستگی و حمایت رژیم را از سرمایه‌داران و وجهانخواران امپریالیستی، نشان می‌دهد.

اینها که با بوق و کرنا ۴۰ ساعت کار در هفته را اعلام کرده و به تبلیغات در این مورد پرداخته بودند، بلافاصله حرف خود را پس گرفته و ۴۸ ساعت کار را بیشتر از مطالب گذشته معمول داشتند. حتی خیلی از امتیازاتی را که کارگران با مبارزات دلیرانه خود در اشر شهیدان و شکنجه‌شدن رفقای خود، بدست

فان ، مسکن ، آزادی



اخباری از: کردستان قهرمان

در کردستان انجام گرفته فراموش نخواهد کرد. برخلاف انتظار رژیم، چون مانع نیروی عظیم خلق را در پشت سر داشتیم، شکست مفتضانه آن حتمی بود.

وی در ادامه سخنانش که یکی از نیروهای خائن سیاسی حمله کرد و گفت: "شما همه را می شناسید، حسی که سرکوبیهای خلق کرد را ناید کرده و خلخال جلاذ خلق کرد را شما پنده خود در فطرس خبرگان معرفی نمود." در این هنگام جمعیت یکصد فریاد زد: "مرگ سر حزب توده". در پایان نطقنامه ای قرائت شد که ضمن آن قطعنامه ۸ ماده ای قبلی مورد تأیید قرار گرفت. این سخنران در پایان گفت: "از آنجا که پیشمرگان جایی لازم دارد، ندو ماهیج جایی بهتر از مقر سیاه پاسدا- ران تشخص نداده ایم، دو روز به آنجا مهلت میدهم که آنجا را تخلیه کنند، پس از پایان مهلت در صورت تخلیه نکردن خود را ساق اقدام خواهیم کرد."

سندج

میتینگ پیشمرگان (کومله)

روز پنجشنبه ۵۸/۹/۱ ساعت ۳/۵ بعد از ظهر بدعوت (س.ا.ز.ک.ا.ا.) (کومله) و با شرکت هزاران نفر از مردم، میتینگ برگزار شد که عده زیادی از پیشمرگان مسلح این سازمان در آن شرکت داشتند. پس از قرائت پیام و چند سخنرانی یکی از پیشمرگان کومله پشت تریبون رفت و در ابتدایه احترام شهدای ایران و کردستان یک دقیقه سکوت اعلام کرد و آنگاه پس از اشاره به جنگ تحمیلی خلق کرد گفت: "خلق کرد هیچگاه اعدام - های وحشیانه رژیم را که بدست خلخال جلاذ

سندج

خلق کرد پیروز است

بدنبال ورود پیشمرگان (کومله) به شهر سندج، این شهر چهره تازه ای بخبود گرفت. ورود آنها شکست سیاست شما جوهر کو ب ارتجاع و پیروزی مبارزات قهرمانانه خلق کرد را در این مقطع نشان میداد. مردم بسیار شادی و غرور و تشریک کویان، بیگدیگری می گفتند: پیشمرگ آمده! پیشمرگ آمده! آنها آتشب تانیمه های شبیه رقص ویا یکوبوسی برداختند، مردم اینک بتجربه دریافت شده بودند که خلقی یکبارچه و متشکل، حتی اگر کوچک باشد، میتواند بسیاری از قدرتها را بزرگتر آورد. آنها بحشم دیدیدند چگونه کماش که به ماه پیش، کردستان را عرصه تاخت و تاز خود کرده بودند، اینک در سوراخهای خود خربده بودند و جرات نداشتند در سطح شهر آتشباری شوند. قبل از ورود پیشمرگها در اثر فشار مردم، مفتی زاده مزدور و هم به بالکبایش، مخفیانه شهر را ترک کرده بودند. حتی دانشجویان هوادار مفتی زاده در دانشگاه تربیت مدرس سندج از ترس از شهر رفته بودند. جاشای محلی بدنبال سوراخ سینه ای بودند که در آن مخفی شوند. همان شب عده ای جانی دستگیر شدند. پاسدا- ران از مرکز تافای کمک کرده بودند. پیشمرگان (کومله) پس از ورود به شهر در سالتختی مستقر شدند و دفتر (کومله) را در آنجا برپا کردند.

سقز

سرپیچی مشمولان از رفتن به سربازی

در تاریخ ۵۸/۸/۱۹ دبلیمه های مشمول و مشمولان عادی در مسجد جامع سقز گرد آمده و در قطعنامه ای خطاب به ما مومنا شیخ عزالدین حسینی اعلام کردند که تا حقوق خلق کرد تا من بشود، از رفتن به سربازی خودداری خواهند کرد. افتتاح دفاتر سازمانهای انقلابی در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ دفاتر سازمان انقلابی زحمتکشان (کومله)، سازمان چریک های فدایی و سازمان پیکار در سقز افتتاح شد. (خبرهای سقز، سفل از خبرنامه کومله شماره ۱۱).



رفیق ماجدی در قلب زحمتکشان زنده است

رفیق انور ماجدی در سال ۱۳۳۳ در یک

خانواده فقیر روستائی بدنیا آمد. زندگی معلول از رنجش، از او شخصیتی چون فولاد ساخته بود. زندگی سیاسی رفیق از سال سوم دبیرستان آغاز شد. بعد از تحصیلات متوسطه بعنوان معلم روستای "ظاهرینده" استخدام شد و بعد از یکسال به "مولان آباد" منتقل گشت. او با رابطه تنگاتنگ و سراسر پرتحرک خود با روستایان زحمتکش، خیلی زود در دل آنها جای گرفت. روستایان "مولان آباد" همواره بیا و خوار هندا داشت که او چگونه بی آنکه خم به ابرو بیاورد بیکارهایشان رسیدگی می کرد و بیماران را برای مداوا با خود به تبریز میبرد. آری او در دل توده ها بود. طوریکه وقتی ساواک وجود او را خطرناک تشخیص داده و حکم به انتقالش به "قامیشله" داد، اهالی ده با چشمی گریان به بدرقه اش رفتند. رفیق انور هر جا که بود، چنین بود. در "قامیشله" او با دایر کردن کلاسهای پیکار، جوانان ده را به سازماندهی و آگاه شدن تشویق میکرد. رفیق انور برای بهدانش داده و لوله کشی آب زحمت فراوانی کشید. انتقال او به ده "خابوره" موجی از اندوه بر جای گذاشت.

فعالیت مداوم و خستگی ناپذیر در راه زحمتکشان با خون او عجب شده بود. رفیق پس از آنکه در خانه محروم و مرطوبی مسکن گزید، مردم ده را به ساختن یک مدرسه تشویق کرد. و خود پیشاپیش همه از صبح تا شام به عملگی میپرداخت. ساختمان مدرسه به اتمام رسید و سپس حمام، و آنگاه یک جاده ماشین رو برای ده که با کمک مردم کشید. برآستی که شور انقلابی و عطش خدمت به خلق در او تمام نداشت. و سرانجام نیز جان خود را در این راه گذاشت. آری، شب چهارشنبه (تیردشمنان بر قلب آتشین او نشست و شمع وجود پربارش را خاموش ساخت).

شهادت رفیق در میان توده زحمتکش انعکاس عظیمی بدنبال داشت، با وجودیکه سقز بمباران شده بود، روستایان اطراف با قلبی معلول از خشم و اندوه راهی شهر شده و

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

فجایع کمیته انقلاب اسلامی

دهگلان (کردستان)

در اعلامیه‌ای که گروهی از دانش‌آموزان و دانشجویان منطقه لیلان، حوزه دهگلان بنابرین ۵۸/۷/۲۶ منتشر نموده‌اند، آمده است:

۱- کمیته انقلاب اسلامی دهگلان به سه ده سراب حاجی پستی حمله نموده و بیش از ۵۰ نفر از اهالی ده را به ضرب گلوله و سرنیزه مجروح کرده و آنها را به ستوان گروگان با خود برده‌اند.
۲- در کمیته مردم را به بند کشیده و در کمال وقاحت به گردن آنها زنجیر آویزان می‌کنند و جلوشان کلاه و بونجه ریخته و شهادت می‌کشند که اگر نخورند یا زور در حلقشان می‌ریزند. سرانجام با اعتراض شخصی بنام حاج اسمعیل رشیدی که یکی از مسلمانان مورد احترام دهگلان است، آنها را آزاد می‌کنند.

۳- در حالیکه رژیم غدقلی دم از شوراها می‌زند، کمیته انقلاب اسلامی افراد شوراها را روستایی را جرمه، نقدی و با بازداشت می‌کند.

۴- دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز منطقه را بازداشت می‌کنند و سپس خانواده آنها را تهدید کرده که اگر باج ندهند آنها را خواهیم کشت. ■



اورا، همراه با عده‌ای دیگر از زندگان کرد همچون ملاشید، شکافتند. رفیق یحیی در قلب زحمتکشان گرد زنده است و آینه روشن را توید می‌دهد. یادش گرامی و راهش پایدار!

بنیادیت چهلین روز شهادت رفیق کاک یحیی خاتونی، هواداران سازمان در تقیز، ضمن بزرگداشت یاد این شهید دلاور، طبعی اعلامیه‌ای از زندگی و مبارزات رفیق در راه آرمان زحمتکشان تجلیل کرده‌اند.

گرامی باد خطره شهادی راه آزادی و استقلال خلقهای ایران

مراسم تدفین با شکوهی برگزرا کردند. خلق دلاور کرد و دیگر خلقهای مبارز همواره یاد او را زنده نگه خواهند داشت.

گرامی باد یاد شهادی راه آزادی و استقلال خلقهای ایران

گرامی باد یاد رفیق شهید کاک یحیی خاتونی

رفیق یحیی در سال ۱۳۲۴ در روستای "قیلستون" از توابع سفزدربک خانواده متوسط چشم به جهان گشود. در هشت سالگی مادر و در یازده سالگی پدرش را از دست داد. یحیی تحصیلات ابتدائی را در سفزدربک و سپس به دانشسرای مقدماتی سیندج راه یافت. او می‌بایست در عین حال معاش خود را نیز تأمین می‌کرد. از همین رو تابستانها به خرده‌فروشی در روستاهای اطراف سفزمی پرداخت. زندگی پرورش یحیی و آشنائی نزدیک او با زندگی مشقت‌بار روستائیان، در او عشق و همدردی عمیقی به زحمتکشان و کینه و نفرت سوزانی نسبت به دشمن طبقاتی انباشته بود.

رفیق پس از طی دوره دانشسرای آموز-گاری پرداخت تا اینکه در دانشگاه تبریز به عنوان دانشجوی روانشناسی پذیرفته شد. شخصیت انقلابی و مبارزه‌جویانه رفیق همواره او را در دروئی ساواک قرار می‌داد. جانبان ساواک، در خردادماه ۵۴، شبانه به خانه‌اش یورش بردند. لکن هشیاری انقلابی رفیق مانع از آن شد که مدرکی از او باقی بماند. یحیی بعد از پایان تحصیلاتش به سفز بازگشته و در هنرستان صنعتی و دانشسرای مقدماتی به تدریس پرداخت. در سال ۵۴ رفیق راه کرمان تبعید می‌کنند ولی بعد از مدتی او را به تبریز انتقال می‌دهند. لیکن دیگر او حق تدریس نداشت. سال ۵۶ - ۵۵ او را این بار به خرم آباد می‌فرستند البته با زهم بدون اینکه بتواند تدریس کند.

روستائیان ستم‌دیده اطراف سفز هیچگاه خا طره فداکاریها و از خودگذشتگیهای رفیق یحیی را از یاد نخواهند برد. زندگی آنها چنان بهم گره خورده بود که مرگ هم برای جدا کردنشان را نداشت. در خانه او در شهر بروی روستائیان زحمتکشان همواره باز بود. و رفیق با کثرت دهروئی و فداکاری یک انقلابی، راهنمای روستائیان بود. و تا آنجا که می‌توانست از حل مشکلات آنان کوشا می‌نمود. سینه او سپرزحمتکشان بود و قلمش برای رهائی آنان می‌تپید. شهادت افتخار فریبنش گواه این واقعیت است. و قتی که دهقانان زحمتکش و تحت ستم روستائی "کوتشو" با مالکین مرتجع رو در رو شدند، او بی درنگ به کمک آنان شتافت. مالکین که به برکت پشتیبانی از دولت اسلامی مصلح شده و جواز قتل روستائیان را گرفته بودند، در روز ۵۸/۵/۲۶ سینه ما لامل از تنش

خلقهای ما آماده پذیرایی از امپریالیسم آمریکا هستند!

وزارت دفاع آمریکا به ناو هواپیمابر سنگین "کینی هاوک" که هشتاد و پنج هواپیمای اف-۱۴ و اف-۴ شکاری - بمب افکن حمل می‌کند، دستور داد از فیلیپین به سمت اقیانوس هند حرکت کند.

وزارت دفاع آمریکا به ناو هواپیمابر "میدوی" و یازده کشتی جنگی دیگر که در نزدیکی خلیج فارس هستند دستور داده مانور خود را با وگان انگلیسی را قطع کرده و در این منطقه بمانند.

و ...

(خبر گزاریها)

اما این تهدیدات ذره‌ای در اراده خلقهای مادر مبارزه بر علیه امپریالیسم و حامیان داخلی او خلی ایجاد نمی‌کند. خلقهای پیکار - جوی مایاخ دندان شکنی به امپریالیسم آمریکا می‌دهند. آنها می‌گویند:

ای پلیدترین جانیان تاریخ! ای پلیدترین دشمنان بشریت! ما هرگز از مانورهای شبانه هراس نمی‌افتیم! ما هرگز از زه‌خواهی داد که حامیان شما در ایران با استفاده از این مانور خروش مبارزه ضد امپریالیستی مان را مانع شوند! ما میدانیم که شما جرات چنین کاری را ندارید، زیرا که میدانید در اینجا ویتنام دیگری را برایتان تدارک دیده‌ایم! اما اگر چنین حماقتی کردید، بسیار خوب، ما آماده "پذیرائی" از شما هستیم!

"مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او!"

"هر چه گسترده‌تر با دجنش فدا میریالیستی و دمکراتیک خلقهای ما!"

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۳۵۸/۹/۲

شماره تراکت: ۸۷

اخباری از:



جنبش دانش آموزی

انرا نشهر

تظاهرات ضد امپریالیستی دانش آموزان

روز ۵۸/۸/۲۸ دانش آموزان دبیرستان عمر فاروق، بمنظور حمایت از خواستهای عادلانه، خلق کردتاشید و پیشانی از مبارز-ان نشان به راهپیمایی برداشتند. این راه-پیمایی بمدت دوساعت ادامه داشت. روز بعد نیز شورای هماهنگی دبیران و دانش آموزان ابراهیمیم گرفت که صبح روز ۵۸/۸/۲۹ یک راهپیمایی به پیشانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران سر-گزارش داد. این راهپیمایی علیرغم اخلال

تهران

دبیرستان نوفل لوتوا

روز سه شنبه ۲۹ آبانماه دانش آموزان دبیرستان نوفل لوتوا تودست بیک راهپیمایی بطرف سفارت آمریکا زدند. این عده در مقابل سفارت آمریکا اجتماع کرده و قطعا به خود را به دانشجویان مستقر در سفارت دادند تا از پشت بلندگو بخوانند. اما دانشجویان مسئول بخش قطعا به ما به نماینده دانش آموزان میگویند در صورتی قطعا به آنها را خواهند خواند که اجازه دهند، به بنداز قطعا به سانسور شود. دانش آموزان مخالفت کرده و خودشان قطعا به را بدون استفاده از بلندگو برای مردم میخوانند. در زیر صدای از این قطعا به را که مانع از خواندن آن شد، ملاحظه میکنید:

۳ - ما خواهان تصفیه ارگانهای حکومتی، بخصوص ارتش از وجود عمال و وابستگان

پیشمرگه

نام یک دانش آموز کرد که در وصف رابطه با پیشمرگه نوشته شده است:

پیشمرگه میخواهد خودمختاری را برای خلق کورد بگیرد، پیشمرگه میخواهد کوردستان را رزگار (۱) کند برای اینکه ما آزاد باشیم و با زبان خود درس بخوانیم. پیشمرگه برای کوردستان جنگ میکند پیشمرگه میخواهد که ظلم نباشد، آغوا ت نباشد (۲) در کوردستان دشمن کورد (۳) از کوردستان نباید بماند باید شهرها و روستاهای کوردستان آباد باشند و برای کارگران کارخانه درست کنند تا بیکار نباشند هر کس حق کورد را بخورد پیشمرگه او را می کشد کسی نمی تواند از کوردستان تعداد (۴) کند.

اخبار جنبش دانشجویان مبارز و رزمنده خارج از کشور (آمریکا)

بدنبال وارد شدن ناامیزیک به آمریکا، دانشجویان ایرانی مبارز در آمریکا موج افشاکری وسیعی را بر علیه امپریالیسم آمریکا و شاه خواندند و با ندا خنده موجب درگیر-ی با پلیس فاشیت آمریکا و منجر به زخمی شدن و دستگیری عده ای از هموطنان دانشجوی ما در آمریکا شد.

پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران و بستری شدن شاه شش در یکی از بیمار-ستانهای شهرت-بورک موج دستگیری و زندانی کردن دانشجویان فعال جنبش دانشجویی توسط پلیس آمریکا با زخمی شدن و دستگیری و دست-ورگاری رشت به پرونده بیش از ۵۵ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا توسط اداره مهاجرت رسیدگی!! و به دلایل واهی ناکسون در حدود بیش از ۹۰۰ نفر از دانشجویان را دستگیر، زندانی و با وادار به خارج شدن از آمریکا کرده اند.

شیکاگو

روز شنبه ۲۶ آبان تظاهراتی با شرکت بیش از ۱۵۰۰ نفر به استار "حزب انقلابی کمو- نیست آمریکا در شیکاگو به طرفدار از خلق زحمتکش ایران و بر علیه امپریالیسم آمریکا برگزار شد که منجر به درگیری و زخمی شدن عده ای گردید.

در طی مبارزات دانشجویان (۲۰ تا ۳۰ آبان) در ای شهر که منجر به درگیری و زخمی شدن عده ای و دستگیری حدود ۴۰۰ نفر از طرف پلیس آمریکا و زندانی شدن آنان گردید، و برای هر کدام تا روز تشکیل دادگاه از ۵۰۰ تا ۷۰۰ دلار جریمه دار کرده اند و اگر این جریمه ها پرداخت نگردد آنها باید تا روز تشکیل داد-گاه (حدود سه ماه دیگر) در زندان باشند.

۵۸/۹/۲

در بیشتر شهرهای آمریکا بخانه های ایران، متعلق به دانشجویان مبارز کنگره-ای سیون جهانی (هواداران سازمان بیکاردرا-آزادی طبقه کارگر، چریکهای فدائی خلق، اتحادیه کمونیستها) حمله شده ولی خانه های ایران دانشجویان مسلمان ایرانی متبسم آمریکا و گمانا در همین با بر جاست!!

در مقابل تمام این تجاوزات آشکار امپریالیسم آمریکا بر علیه جنبش دانشجویی و رهبران و فعالین آن در آمریکا مقامات کنسولگری ایران در آمریکا چه اقداماتی علیرغم شعارهای تو خالی و فریبنده بنفیع بخشی از جنبش خلق ما در آنجا انجام داده اند؟ وقتی عده ای از دانشجویان مبارز به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شیکاگو

عنا صرمعلوم الحال با موفقیت برگزار شد.

در پایان راهپیمایی قطعا به دانش-آموزان فراشت گردید. در این قطعا به ضمن افشای تهاجم هیئت حاکمه به کوردستان و ستایش از دلاوری و مقاومت خلق کوردخواست-های دانش آموزان مطرح شده بود که اهم آنها چنین است:

دفاع از خواسته های خلق کورد محکوم کردن هرنوع سازشکاری، اخراج کلیه پاس-داران از منطقه بلوچستان، قطع رابطه کامل با امپریالیسم آمریکا، تامین آزادیهای دمکراتیک، ایجاد شوراهای واقعی و بالآخره احقاق کامل حق خودمختاری خلق بلوچ.

خواست اخراج کارشناسان آمریکایی از ایران، یک خواست ضد امپریالیستی نیست؟!

امپریالیسم آمریکا در رژیم سابق میباشیم و معتقدیم وجود کارشناسان نظامی در ارتش عملا به سود تحریکات و دسیسه جینینها علیه خلقهای ایران است.

۴ - ما خواهان اخراج کلیه مستشاران آمریکا از ایران میباشیم.

۷ - ما صریحاً هرگونه سوءاستفاده از احساسات ضد امپریالیستی مردم جهت خاموش ساختن نریادهای حق طلبانه زحمتکشان، دانشجویان و دانش آموز-ان بوسیله برجست زندهای بی پایه و "توطئه آمریکایی" خواندن تظاهرات و تحمیل و اعتصاب آزاد بخوانهان را محکوم میکنیم.

(به ی پی پیشمرگه رولله کوردستان - هر سه رکا و توبی تا آخر زمان) - (۵)

- (۱) - رزگار = آزاد
- (۲) - آغوا ت = اربابیم
- (۳) - کورد = کرد
- (۴) - تعداد = همان کلمه تعدی است که اشتباهی نوشته شده است.
- (۵) - زنده باد پیشمرگه فرزند کوردستان - پایدار باشی تا آخر زمان.



بقیه از صفحه ۱

هشدار به تمام نیروهای انقلابی، توده‌های آگاه‌ه‌خلق و بویژه خلق بلوچ!

تفمکی جا و همقطاراش ماشند "میرمولداخان سردارزهی" که همه نیروهای نظامی و غیرنظامی دولتی و غیردولتی را با حمایت خود "رژیم" در منطقه دستیار و جاسوسان را به دست آورده و در دست به حملاتی علیه دولت ایران میزنند. تا "کریم بخش میرسعیدی" را آزاد و سالم بکشند ایران برگرداند و آنها را تحویل نمایند و... لازم به تذکر است همانطور که گفته شد تا مدتی پیش خاسها با دولت بودند لکن موضع گیری داستان انقلاب اسلامی در آزادان دایر بر اشتباه بودن توزیع اسلحه و سپردن کارها به دست خاسها، (روزنامه اطلاعات ۱۹ آبان) سبب شده است که اختلاف نظری میان خاسها در باره حمایت از دولت بوجود آید. همانطور که گفتیم بخش وسیعی از توده‌های خلق بلوچ بدلیل عقب ماندگی شدید شرایط عشیرتی و قبیله‌ای از آگاهی بسیار رانی برخوردار بوده و بشدت نسبت به خاسهای "حلی دچهار" توهم ادونا آگاهانه از آنان حمایت میکنند. و بدلیل همین عقب ماندگی است که حتی نسبت به اعمال خاسها، و حمایتکارانه شاه نیز توجه نیستند.

نیروهای انقلابی، توده‌های آگاه و خلق بلوچ! امیربا استیلا و بویژه امیربا لیم آمریکا سخت در تلاش و کوشش است که هر دستی از جانب خاشمن به خلقهای ایران بطرفش دراز شود، از آن پلی برای انتقال نیروهای چپینی و سارتر با رش بدرون کشور سازد. آمریکا این دشمن اصلی خلقهای ایران هم اکنون در سرنا سرچان بویژه خاورمیانه با منتهای کوره کرده، خلفای شمشکشیده و استعمارنده ولی مهمم روبروی می باشد. وضعیت برای اهمیت سوق الحینی بلوچستان، وجود خاسها و سردارها و... بنات ارجاعی و روابط عقب مانده، تولیدی در منطقه، نفوذ سیاسی خاسها، فقری اندازه، خلق بلوچ، برانگیزی جمعیتی مردم بلوچستان در منطقه و بیشتر از همه وابستگی رشد دار خاسها و... به امیربا - لیم و خاسها و مکان شمس گیری با مردوران امیربا - لیم است همچنان که هم اکنون اخبارش در منطقه بسیار رایج شده، و طبعه، خطری را در مقابل ما قرار میدهد.

با یداز یکطرف عمیقاً با فاشا همه جا نبه خاسها و سیاست ها و اعمال حمایت خوبا نبه "رژیم" که بنا بحال از این خاسها بعمل آورده است پرداخت و از طرف دیگر در سط و توسعه تشکلات و شوراهای واقعی توده‌ها در شهرها، روستاها و... همگام است. تا خلق بلوچ اداره، امور اداری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سرزمین آبا و اجدادی خود را بدست گرفته و با اتحاد مستحکم طبقات خلق به مقابله با هرگونه توطئه‌های امیربا لیم و خاسها و رژیم که بنا بحال از خاسها حمایت کرده است بپردازد.

منطقه بلوچستان بنات همجاری بسا کشورهای پاکستان و افغانستان که حکومتهای دست نهادهای چون دیالو الحق و فیض الله امین در سرکار دارند و سلتد. قرار گیری آن در کرانه دریای عمان از اهمیت سوق الحینی مهمتازی برخوردار می باشد. خلق زحمتکش بلوچ بسی - انداز فقر و در سخت ستم و استعمار چنگا نهادهای ملی و طبقاتی زندگی بر از محنت، سخت و دشواری را می گذرانند. ستم و حفظ روابط بسیار عقب مانده عشیردهای و قبیله‌ای (و حتی نوعی برده داری در مناطقی از بلوچستان) در بلوچستان توسط رژیم خوشخوا رینیلوی و حمایت است همه جا به رژیم مخلوع ارمافع اقتصادی و نفوذ سیاسی خاسها، بر دارا و مولوی ها (۱) در منطقه بوجوب گردیده که خلق بلوچ به سیاست سیای خاسها و... تا حدی کردن ستمند. بعد از قیام سکوهمند سیم ما دینور رژیم جمهوری اسلامی حمایت خود را از خاسها را به پشکاران در رخ نمود و اترس اسبکه ما دای خلق زحمتکش و بنات فقیر بلوچ خلق سیاسی و اقتصادی خود را طلب نماید و سر نوشت خود را از دست این رالو - معنان و خوشخوا ران نجات دهد، سام تا همین امنیت منطقه ("بخوان سرکوت خلق بلوچ) به مسلح کردن همین حمایتکاران پرداخت. سفر فرما نه، ژاندارمری ایرانی شهر سا هلیکوپتر به "اسبکه" در تاریخ ۵۸/۸/۵ برای جلب نظر میر محمدخان لاثاری خان بزرگ منطقه لاثار که بنا نبه دوره آخر مجلس منطقه شورای ملی بودند در این سفر خیرا طبیبان ونا منشی که رژیم جمهوری اسلامی بدخان بزرگ داده به او بدهد و بگوید که سبک به مراحمی ا رطیر "رژیم" برای او سود و یکار خود معلول باشند، نمونه‌ای از این حمایت های رژیم از خاسها - سب و با خاسها و نمایندگان سابق مجلس شورای ملی مثل کریم بخش سعیدی، عینی خان مبارکی، سیم مبارکری، سیم خان شیرانی، میرمولداخان سردارزهی و... هر کدام ۶۰ تا ۱۰۰ تنده اسلحه از طرف اترس در اختیارشان قرار گرفته و از لور دیالو می خوا خدیسه حکومت خود در منطقه ادا مه داده و به بحار گیری اساج گیری و مالیات حبسی در روستاها و... سردارند. (در این مورد براهه کنند به سکار ۲۶ و ۳۰، دیند آخر).

در منطقه مردم می کوبند که خاسهای لاثار (لا تار از سوابق امیربا استیلا) افرادی را از منطقه "علیرخان مبارکی" و... را بسه با کمنا فرساده اند تا از کشورهای آمریکا و انگلستان کمک دریافت نمایند و با "بختیار" نیز تماس برقرار سازند. همچنین شایع است که خاسها با انگلستان نیز رفتند اند. بدینا ل این خبرها گفته میشود که حاج کریم بخش سعیدی که یکی از خوانین معروف بلوچستان میباشد هنگام عزیمت بخارج از طریق پاکستان در فرودگاه پاکستان دستگیر شده و هم اکنون

مراجعه و خواستار اقامتی در جهت پشتیبانی از دانشجویان در مقابل پلیس سرکوبگر آمریکا شدند. جواب جناب آقای کنسول به دانشجویان امیربا رجنس بود "با بد منتظریم تا روابط امیربا و آمریکا بهتر شود تا بتوانیم در این باره اقدام کنیم". این یک جواب شخصی سی اطلاع از روابط و اوضاع کنونی نیست. این خط مشی بخشی از هیئت حاکمه است که در تنادی آشتی نا پذیر بین جنبش توفنده و ر و به اعتلای توده‌های زحمتکش ما از طرفی و امیربا لیم خوشخوا ر آمریکا از طرف دیگر دست و پا میزند.

سائقران سمسکو

در سائقران سمسکو در جریان نظرات یکی از دانشجویان بدست پلیس فاشیت آمریکا شیدند.

هوسون

در شهر هوسون ایالت تگزاس عده‌ای به خانه یکی از دانشجویان حمله کرده و سب از شکستن در قفس بقتل رساندن او را داشتند که دانشجوی نامرد به تیراندازی یکی از آنها جمین را کشته و دو نفر را زخمی نموده و هم اکنون در انتظار تشکیل دادگاه در زندان سمری برد.

در یکی از شهرهای حوالی کانزاس سیتی دو دختر دانشجوی ایرانی توسط چند نفر آمریکایی سوده شده و به آنان تجاوز میشود. در مورد ما هت این افراد را بسده اطلاع می در دست نیست.

تعطیل

اداره شماره گذاری

روز سه شنبه ۵۸/۹/۶ روسای اداره شماره گذاری راهنمایی و رانندگی تهران در آن اداره رابروی کارمندان مبارزش که خواهان پاکسازی و احقاق حقوق خود میباشد، بسته و اعلام دوروز تعطیل میکنند. در این رابطه شورای کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی با انتشار اعلامیه‌ای در تاریخ یاد شده ضمن محکوم نمودن این عمل خواستار تعقیب اداره از عوامل وابسته به رژیم سابق می - گردد.

آخرین خبر رسیده حاکی است که کارمندان اجرائیات اداره راهنمایی و رانندگی نیز صبح روز چهارشنبه ۵۸/۹/۷ از طریق شورای خود کتبا خواهان باز شدن اداره شماره گذاری و بازگشت کارمندان آن سرکارشان شده و اعلام نموده اند که "در غیر اینصورت ما نیز از ساعت ۱۰ صبح (چهارشنبه) بعنوان همبستگی به آنها خواهیم پیوست."

کل وجوب، آثار و نتایج حاصل از چنین زندگی-ای را در عرض همین دهه، گذشته در روستا-ها بارها دیده ایم که چگونه یک زلزله خفیف و بسا یک سیل کافیه است تا جمعیت کثیری از روستا-نشینان را از هستی ساقط کند و تعداد بیشماری از آنان را قربانی نماید.

جدول ۲ اطلاعات فوق را در باره وضعیت منازل مسکونی بر اساس سرشماری عمومی ۱۳۵۵ نشان میدهد.

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه میشود، در سال ۱۳۵۵ تازه فقط ۲۵/۳٪ از منازل مسکونی در کل کشور (۵۱/۷٪ در شهرها و ۴/۱٪ در روستا-ها) دارای شرایط مناسب مناسب اند و بقیه فاقد آنند.

جدول ۳ تراکم جمعیت در مناطق مسکونی را نشان میدهد. ردیف اول این جدول درصد خانوارهایی را نشان میدهد که ۱ اتاق ۲ اتاق و... زندگی میکنند. ارقام ستونهای جدول (بجز ردیف اول) نشان میدهند که مثلاً چند درصد از خانوارهایی که در یک اتاق زندگی میکنند، نفره ۲ نفره و... میباشند. مثلاً در ستون دوم همانطور که ملاحظه میشود جمعاً ۲۸/۳٪ از خانوارهای شهری در ۱ اتاق زندگی میکنند. آنگاه از این-درصد خانوار، ۱۵/۲ درصد خانوارهای ۱ نفره، ۱۹/۹ درصد خانوارهای ۲ نفره و... هستند. یکمب هائی از این جدول که بصورت [] هستند تراکم جمعیت را نشان میدهد. یکمب هائی که بصورت [] هستند حالت معمولی و یکمب هائی که بصورت [] هستند وضعیت عالی را نشان میدهد مثلاً فرض کردیم تمام منازل کبودارای ۴ اتاق هستند چنانچه در این منازل ۱ نفر زندگی کند بقیه در صفحه ۱۳

- (۱) - فردریک انگلس، در مورد مسئله مسکن، ترجمه، خانبا به تهرانی صفحه ۲۳
- (۲) - نمودار ۱ رشد هزینه مسکن را در سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۷۵ در کشورهای مختلف جهان نشان میدهد.
- (۳) - فردریک انگلس، در مورد مسئله مسکن صفحه ۵۶

شاخص قیمت کالاهای عمده در سالهای ۵۲ - ۵۷، افزایش نرخ مسکن به مراتب شدیدتر و سریعتر میباشد و بهرواضاح است که افزایش نرخ مسکن که در رابطه شگتنگ با نرخ کرایه و اجدهای مسکونی میباشد برای بخش مهمی از زحمتکشان که اجاره نشین هستند، چنانچه راقتصادی سرام-آوری را تحمیل کرده است. چنانکه میبینیم امروزه نه تنها برای کارگران و زحمتکشان، بلکه برای اقشار وسیعی از خردسوزواری شهری، کرایه مسکن بیش از ۵۰ درصد از هزینه زندگی را در بر میگیرد.

مسئله مسکن اردو جنبه مطرح است: ۱- از لحاظ کیفیت واحدهای مسکونی موجود (استحکام و بهداشتی بودن) و وسو د خدمات شهری (آب، برق، تلفن، مدرسه، بیمارستان و...) ۲ - از لحاظ کمبود مسکن برای زحمتکشان و گرانای آن، آجازه های مسکن و ازدحام جمعیت در مناطق فقیرنشین.

برای درک بهتر این مسئله که واحدهای مسکونی موجود دارای حد کیفیت هستند، جدول ۱ را که مربوط به سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵ میباشد، مورد بررسی قرار میدهیم: طبق این جدول بنا به منظور، واحدهای مسکونی موجود در کشور از نوع ساختمان های دوام میباشد. در حالیکه در سال مذکور اکثریت فاطم ساختمان های ۸۲٪ را ساختمان های از جنس چوب، آجر، خشت و... تشکیل میدهند. از ارقام مزبور در مورد نقاط شهری و روستایی به تفکیک داده شده است. در حالیکه در شهرها ۳۳٪ از منازل مسکونی از مصالح با دوام ساخته شده است (که سهم نا لباً در تصرفات اقشار مرفه جامعه است در حالیکه اکثریت قریب به اتفاق زحمتکشان در شهرها در بنا زلی زندگی میکنند که فقط بصورت سرتیانی قابل استفاده است). در روستاها نیز همانطور که ملاحظه میشود، فقط ۱/۱٪ منازل دارای شرایط یک واحد مسکونی مناسباند! مابقی منازل روستایی فقط سرتیانی است از

مبنا طبقه کارگر در آن کشورها امروزه نمیتواند، ستن از یکمدسال مبارزه طبقاتی نتواند است! متبازات قابل توجهی از سرمایه-داران در زمینه مسکن بدست آورد. لیکن در کشور ما بر اثر استقرار سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و حاکمیت دیکتاتوری فاشیستی در یک دوره طولانی که مکان هرگونه مبارزه صبی را هم از زحمتکشان دشوار نموده بود، ما بکلی با شرایط دیگری روبرو هستیم. در اینجا مسکن آنقدر به عنوان یکی از اساسی ترین خواسته های زحمتکشان مطرح بوده و هست که ما سبدها بدان بوده ایم که در سالهای قبل و در جریان آغاز انقلابی اندلانی، به عنوان یکی از شعارهای اساسی زحمتکشان، خود را شعار مبارزات سوسی بر علیه سیستم سرمایه داری و استبداد امپریالیسم در ایران کردند. و هم اکنون نیز مسکن یکی از اساسی ترین خواسته های زحمتکشان و قشرهای پائین و متوسط خرد بورژوازی میباشد.

در باره مسئله مسکن، اهمیت و نقش آن در مبارزه طبقاتی و ریشه های آن در ایران ناکنون تحلیل هائی بعمل آمده که عمده آن در رابطه با جنبش خانه سازی و بورژواجران اقتصادی (سایبان ۵۶) انتشار یافته است. لیکن اکنون مسئله مسکن در شرایط متفاوتی با آن دوران مطرح میگردد، چه جل مسئله مسکن لاجرم از آن جهت که کمونیستینها شعار ما در سرمایه-های امپریالیستی و وابسته و محو باقیای نبود، البسم را در رابطه با آن قرار میدهند، در مقابل راه حل های خرد بورژوازی، بورژوازی و بورژوئستی که امروزه در اینجا و آنجا ارائه میشود، قرار میگیرد.

مسئله مسکن و بحران آن در ایران که بورژوازی سالهای ۵۰ بعد از بروز آثار بحران اقتصادی و حرکت سرمایه های وابسته و امپریالیستی بسوی بورس بازی زمین و بخش ساختمان سازی و انباشت سرمایه در این بخش اقتصادی با شدت بیشتری مطرح شده است. همانطور که در نمودار ۲ ملاحظه میشود در میان افزایش مداوم

ساختمان های با دوام										ساختمان های بی دوام									
مکان	جمع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	جمع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	سایر
کل کشور	۳۸۹۹	۱۱	۲۵	۲۲۱	۲۵۷	۱۱/۷	۲۹۰	۳۲۵	۵۶	۱۲۹۰	۱۱۲۵	۹۲	۳۱۹۸	۸۲/۰	۲۲۴	۶/۳			
نقاط شهری	۱۳۰۱	۸	۱۹	۴۰۲	۴۲۹	۲۳/۰	۳۰	۳۰۲	۶	۲۲۲	۲۳۸	۴	۸۵۲	۶۵/۶	۱۸	۱/۴			
نقاط روستایی	۲۵۹۸	۳	۴	۲۰	۲۹	۱/۱	۲۶۰	۲۱	۵۰	۱۰۱۹	۸۸۷	۸۸	۲۲۴۵	۹۰/۳	۲۲۶	۸/۶			

جدول ۱ - تعداد واحدهای مسکونی معمولی کل کشور بر حسب مصالح ساختمانی و به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۴۵ (بر حسب هزار)

مآخذ - نتایج سرشماری عمومی جمعیت ساکن کل کشور در سال ۱۳۴۵ - مرکز آمار ایران

ساختمان های با دوام										ساختمان های بی دوام									
مکان	جمع	آخر و آجر	سنگ و آجر	جمع	چوب	۱	۲	۳	۴	جمع	چوب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	سایر
کل کشور	۴/۷	۲۲/۴	۰/۴	۱/۳	۲۵/۳	۲۰/۱	۰/۴	۳۶/۸	۱۷/۸	۱/۶	۰/۵	۲/۰	۲۴/۲	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
نقاط شهری	۱/۳	۲۷/۰	۱/۶	۱/۸	۵۱/۷	۱۸/۰	۰/۱	۱۵/۶	۱۲/۱	۰/۴	۰/۲	۱/۸	۲۸/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲
نقاط روستایی	۲/۴	۰/۲	۰/۲	۱/۰	۲۴/۹	۲۰/۱	۰/۵	۲۰/۲	۵/۷	۱/۱	۰/۸	۲۴/۲	۱۱/۱	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸

مآخذ - نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبانماه ۱۳۵۵ - مرکز آمار ایران

نقدی بر مواضع چریکهای
فدائی خلق در مورد
طبقات و نیروهای
غیر پرولتری

(قسمت آخر)

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی
(کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی
از مسائل "عام" یا تئوریک بشمار می
رود. یعنی از آن مسائلی است که
مستقیماً بهیچ وظیفه، مشخصی که در
لحظه، معین در مقابل حزب قرار می
گیرد مربوط نمی شود...
(لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

● رفقا، این جناحهای "ناسیونالیستی" و "مارکسیسم بورژوازی" حزب
دمکرات کردستان نما بندگی کدام طبقه را دارند؟ این "سیاست کاملاً
بورژوازی" حاکم بر حزب دمکرات ویرانه و تکتیک آن مدافع و تائید
کننده منافع کدام طبقه اجتماعی واقعاً موجود است؟

سرکندتر شود و خیانت آنان فرصت پیش-
برد مبارزه را از خلق کردستانند.
همه جا تاکید از ماست.

جالب توجه است که رفقا حزبی را که
بقول خودشان یک جناح آن راناسیونالیستها
ی کرد و جناح دیگر آن "مارکسیست هاشمی
(مارکسیسم بورژوازی) هستند که بنیاد تفکر
آنان همان دیدگاههای حزب بوده ایران است
"جناحه از نام آن بدایت یک سازمان
دمکراتیک ارزیابی میکنند!

آخر رفقا این جناحهای "ناسیونال-
لیستی" و "مارکسیسم بورژوازی" حزب
دمکرات کردستان نمایندگی کدام طبقه را
دارند؟ مدافع راندولویز کدام طبقه را
نماینده می کنند و این "سیاست کاملاً
بورژوازی" حاکم بر حزب دمکرات ویرانه و
تکتیک آن مدافع نامن کننده منافع کدام
طبقه اجتماعی واقعاً موجود است؟ چگونه
شما از روی نام این حزب آنرا یک سازمان
دمکراتیک ارزیابی می کنید؟

این عملکرد کدام ایدئولوژی است؟
شیوه برخورد خصلت نمائی، آنجا که به
جناحی از اضعیت می رسد روجه ایمن
سیاست کاملاً بورژوازی حزب و مخدوش کردن
مرز بندی طبقاتی نیروها برآمده و سایک
عقب نشینی آشکار ادامه میدهد که "عمده

کردن مسئله ملی محصور به دمکراتها نیست
خلق کردعموادر سطوح متفاوت تحت تاثیر
یا سوسیالیسم قرار دارد که طبقه نمائی از
سیستم ملی است." و "هم اکنون سبزه پس
از بورژوازی و حشانه ارتش و پاسداران و کشتار
خلق کرد آشکارا تضادهای طبقاتی باز هم
بیشتر به فراموشی سپرده شده و تحت الشعاع
مسئله ملی قرار گرفته است" و دست آخر
اینکه: "اینست حاصل پیشبرد سیاستی
خرده بورژوازی و بورژوازی ناسیونالیستی که
در متن سرکوب و ستم طولانی و سنگین سرمایه
داری ستمگر در جامعه طبقاتی ما نهفت خلق
کرد را در خمار خود گرفته است" ؟

نه رفقا! این نحوه برخورد انتقاد ی
شما نقد کمونیستی احزاب بورژوازی نبوده و
چیزی جز خصلت نمائی ساده و در عین حال شدیداً
متناقض نیست که تزلزل ایدئولوژیک خرده-
بورژوازی را به شما می گذارد. چرا که
در ادامه این خصلت نمائی آنجا که مقاله
ناگزیر ارزیابی "سیاست کاملاً بورژوازی"

خصلت نمائی و اصرار در شیوه برخورد غیر مارکسیستی:

رفقای فدائی در نشریه کار شماره ۲۲ در
توضیح "تکلیفی" و "تصمیمی" بیانیه کردستان
با این مقدمه که:

"... می سازیم که سرمایه کردستان
بتوانست محصور واقعی و درستی از
از حزب دمکرات کردستان ارائه دغدو
از آنجا که نقش حامی از حزب
دمکرات کردستان تاکنون ارائه نشده
است موضع سازمان در باره این حزب
در دهن نیروها غلامخوشی شده"

مواقع خود را نسبت به حزب دمکرات چنین
ارائه می دهد:

"حزب دمکرات کردستان جناحدار نام
بیدایت به یک سازمان پرولتاریائی -
(ا؟) که یک سازمانی دیگر است که
یک جناح آن را سوسیالیستی می گرد
تکلیف میدهد و جناح دیگر مارکسیست -
فدائی (مارکسیسم بورژوازی و ناسیونالیستی)
هستند که بنیادگذار آنان همان دید -
گاههای حزب بوده ایران است."

(تاکید از ماست) و در جای دیگر مقاله:
"از آنجا که ما معتقد نیستیم حزب دمکرات
کردستان یک جریان مارکسیست-لنینیست
است ما برادر درون جنبش کمونیستی
ایران قرار نخواهیم داد. ما معتقدیم
حزب دمکرات کردستان یک جریان دمکرات-
اشک یا کارائنا سوسیالیستی است..."

و در جای دیگر مقاله:
"حزب دمکرات حزبی است معتقد به سازش
طبقاتی و تخفیف مبارزه طبقات در
کردستان و با:

"حزب دمکرات به دهقانان توصیه میکند
اکنون که مسئله ملی در میان است
درست نیست طلبه اربابها و زمینداران
اقدامی بکنند. اول مسئله ملی را حل
کنیم بعداً اختلافات درونی خودشان
بپردازیم"، با اعتقاد پاکوش در جهت
عمده کردن مسئله ملی و تحت پوشش مسئله
ملی به استقبال آشتی طبقات رفتن یک
سیاست کاملاً بورژوازی است. سیاستی
است که نه تنها مسئله راحل نمیکند
بلکه اشکای به زمینداران و بورژوازی
کرد باعث میشود که چرخ مبارزه ملی

س.ج.ف.خ.ا. و حزب دمکرات کردستان

رفقای فدائی در نشریه کار شماره ۲۲ و ۲۳ در متنی "انتقادی" از مواضع
کنفرانس وحدت و بیانیه آن در مورد
کردستان بار دیگر با مشخص کردن پایگاه
انتقادی خود مبتنی بر دفاع از شوروی و
اردوگاه سوسیالیستی، خود بدستی بر طبقه
مبتدی از تزلزل ایدئولوژیک خرده بورژوازی
در سیاست، و نظرات خوش بینی بر مسائل
و دسالمه روی از بورژوازی تکیه کرده اند.
چرا که نظام بر این تزلزل و ناپایداری نسبت
به مارکسیسم - لنینیسم نا آگاه که مربوط به
مرز بندی جنبش کمونیستی میشود در موضع گیری
نسبت به رویزیونیسم اهمیت بیشتری میدهد
س.ج.ف.خ.ا. با تکیه بر همین اختلاف
اساسی خود (موضع گیری نسبت به رویزیونیسم)
با نیروهای جنبش کمونیستی ای که با
روزیونیسم مدرن و نوپا (به جراتی) مرز -
بندی روشنی دارند روی برخورد های لیبرالی
خود نسبت به جریان بورژوازی تکیه
میکند.

"در میان کمونیستها در مواردی این
تلفی بضم میخورد که گویا اعتقاد به
احیای سرمایه داری در شوروی و بلور
کلی پذیرش از انجمله مجدد اردوگاه
سوسیالیستی و تبدیل آن به یک
اردوگاه امپریالیستی نوین به عمل و
مبارزه امروزین طبقه کارگر و سبزر
زخم کتان خلق ما ارتباط ندارد."

(نشریه کار - شماره ۲۲ مقاله کنفرانس وحدت
با موضع گیری سیاسی...)

و از همین پایگاه را ادامه بیانیه
مربوط به کردستان به توضیح مواضع خویش
نسبت به حزب دمکرات کردستان می پردازد.

ما برخورد انتقادی مان در مورد مواضع
رفقای فدائی نسبت به رویزیونیسم و سوسیال-
ل امپریالیسم بطور جداگانه در مقالات "در
افتای سوسیال امپریالیسم..." در پیکار

پیش برده و ادامه خواهیم داد. در اینجا
روی این نکته تکیه میکنیم که چگونه مواضع
رفقا ونحوه برخورد لیبرالی شان نسبت به
جریانات و احزاب بورژوازی، در تمام

زمینه های مختلف (برخورد با رویزیونیسم و
سوسیال امپریالیسم، برخورد با بورژوازی
حاکم و...) کل همیشه ای از تجلیات
تزلزل ایدئولوژیک و ناپایداری نسبت به
مارکسیسم - لنینیسم را ارائه میدهد. امری
که ضرورتاً مفهوم در خدمت ایدئولوژی بور-
ژوازی قرار گرفتن است.

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

یادداشت
استانداری خوزستان
توجه به عموم بویژه مراجع
مربوط در استان خوزستان
این توجه داده میشود که
آقای شیخ مهنازع از دوستان
است و در مسیر انقلاب اسلامی
ایران تلاش دارد و کمک و
مساعدت لازم را در این راه با
این استانداری و دیگر کارگزاران
دولت انقلاب نمایید .
دکترمندی - استاندار خوزستان
۵۸/۷/۱۸

این ترشپیش از پیش خود را معرفی و افشا می‌کند. وی در جواب خبرنگار آندکان که می‌پرسد: "واقعاً مذاق‌فلاسی، چه گروهی است؟" می‌گوید: "آندکانه من تحقیق کردم، یک گروه همان عناصر قدماقی اند؛ اما سازان زمان رژیم‌های گروه دیگر، کمابسی هستند که از طریق این‌فلوئنس، چپ هستند؛ بلکه ما یک جبهه بی‌ریزه، خودرودانه، مایه اس-نده می‌شویم." با وادی که کمیست‌نعل، (آندکان ۱۰ خرداد ۵۸)، وقتی همکاران

مدنی درحالیکه عناصر مزدور و سرسپرده را پاک و بقلائی قلمداد میکند، متقابلاً از نیروهای انقلابی کینه توزانه بهشتی یاد میکند و به

[illegible]

(*) - اسناد مربوط به مهنا مزرعه قبل از در روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۱۵۸ درج شده است.

دزیریکی دیگر از دوستان پاک مدنی
خلد را بشما معرفی می کنیم . دوستانی که
ما شند خود مدنی آندرسوسپرده و "پاکند" که
حتی با آتش گلوله هم پاک نمی شوند.
بر اساس سند شماره ۳ ، مدنی شیخ مهنا
مزرعه را از دوستان خود معرفی میکند و هم
ایشان هستند که از طرف وی ما مورخ سلاح
دشت آزادگان میشوند.
ما شیخ مهنا مزرعه کیست ؟
در سند شماره ۴ شیخ مهنا مزرعه خودش را این
چنین معرفی میکند:

۴۷/۱۱/۱
اینجانب مهنا مزرعه - پدرجای اله
افتخارمینمایم و تقاضا دارم در
اداره ساواک محترم خدمات ابراز
قبیل و رغبت دارم همکاریهای لازم
را در مواردیکه باینجانب محبت
نموده در راه خدمتگزاری به شاهنشاه
آریا مهر ارواحنا فدا و میهن
همیشه آماده هستم.

مهنا مزرعه - امضا
دانشنامه ساواک با اسخدام دوست
باک!! مدنی (۸) زادروز: شماره ۵ میتوان
بافت.

موافقت ساواک با استخدام مهنا مزرعه

[illegible]

افتخار به همکاری با ساواک

۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

ریاست ساواک دشت میشان ساواک خوزستان

بخست وزیري
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س، ن، و، ا، ک

درباره (مهنما مرعه) اسم مستعار علیرزاده شماره منبج ۲۷۲۳
عطف ۴۷/۹/۱۸-۳۶/۲۶۵۹/۴۷

با پیشنهاد آن ساواک در مورد استخدام نامبرده بالا
بامقرری ماهیانه ۱۵۰۰ ریال موافقت گردیده. دستور فرمائید
تاریخی راکه استخدام وی عملی خواهد شد اعلام نمایند تا

نسبت بتعیین شماره رمز و پرداخت مقرری وی اقدام شود. ضمناً
نسبت به تهیه و ارسال مدارک استخدامی مشارالیه (بیوگرافی
ملحق بد و قطعه عکس. دویرگ رونوشت شناسنامه. تعهدنامه
و سگندنامه) نیز اقدام نمایند.

رئیس ساواک خوزستان س. خاوری

آقای ناصری توجّه و اقدام گردد
۴۷/۱۰/۲۹

چون نامبرده بالا باین جانب تماس ندارد مقرر فرمائید
ضمن ملاحظه فرم نشان کردن وی او امر مقتضی صادر فرمائید
۴۷/۱۰/۲۹

ناصری

اما منبجیم شوندهای آگاه ارتش نسبت
به مدنی چگونه رنسا و رنسا خانی دارند.

طبق خبر موثق در تاریخ ۵۸/۷/۲۲ دربره
نامبرده صیحه عمومی با دکان اخوازکدیا شرکت
تمام بکاشی لکروارسمام مطابق خوزستان
برگزار شده بود. مدنی به عنوان فرمانده
شروی درباری، همراه یک نفر روحانی دربراسم
شرکت میکنند.

هنگامیکه فرمان رزده داده میشود، هیچک
از پرسنل واکنشی از خود نشان نمیدهند پس از
چند لحظه با شعار شوراها و باندگان ایجاد با بد
گردد. مدنی اقدام بابتد کرد، بطرف مدنی و
همراه روحانیش حمله و رمی نمود. در این موقع
فرد روحانی که دوربین همراهش داشته شروع
به عکسبرداری از صحنه آنها میکنند. وقتی
سربازان و درجداران متوجه عمل او میشوند
روی سرش می ریزند و با شستن دوربینش او را
بشدت کتک زده و تمام لباس و عمامه اش را
باره میکنند.

مدنی که وضع را اینچنین نمی بیند، بسوی
اتوموبیل خود فرار میکند، ولی پرسنل دلیر
ارتش او را از ماشین پاشین کشده و مورد باز-
خواست قرار میدهند. جناب شیمار با رشک
پریده و حالت زبون می گوید: "فرمانده لشکر
به تهران رفته است، دربار کتک حتماً خواسته
های شمارا برآورده خواهد کرد! و... " و سر-
انجام با کالی التماس و وعده و وعید از پهلک
جناب سالم بدر می برد.

حرف آخر اینکه مدنی کور خوانده است،
دیرینت آن رمانیکه خلق قهرمان ایران
توهماتش کا ملا شکسته شود و دست و دمش را
بهترینشاد و با شناختن مهره های جلادی چون
او، آنها را به زباله دان تاریخ پرتاب کند.

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما، همواره با
پشتیبانی و حمایت همه جانبه
شما، توانسته است اهداف
انقلابی خود را پیش ببرد. کمکهای
مالی خود را از هر طریق که
می توانید، بدست ما
برسانید.

جمهوری مدنی در دانشگاههای اروپا و

آمریکا

۱- حمایت آقای صادق قطب زاده از استان -
دارخوزستان و سایر خیرها و تبلیغات
گسترده را دیپلوماتیزم و بیعت اینان -

(بنیال از اطلاعات، سه شنبه اول آبان ۵۸)

مسئله رئیس جمهوری مدنی

اکنون با توجه به ملائمی که ذکر شد،
میتوان فهمید افرادی که برای رئیس جمهور
شدن مدنی تلاش می کنند و در اطراف او تبلیغات
و سروصداهای می اندازند از چه قماشند! بیشک
دستهای پشت پرده ای که در این رابطه به مدنی
کاری میکنند، آلوده و در خدمت امپریالیسم
آمریکاست.

البته مدنی جریا رکه در محاصره ای در این
مورد را سوال شده، مودبانته اول کمی تعارف
کرده که: من تمایلی به رئیس جمهوری ندارم و
مایلم که به محیط درس و دانشگاه برگردم و...
اما بلافاصله اضافه کرده است که، البته اگر
مردم بخواهند، کاری نمیتوان کرد و باید گردن
نهاده.

وی حتی وقتی هم که به اصطلاح استعفا
میدهند اما منبجی بیشتری بگیرند و جناحهای
مخالف را سرچاپان بنشانند، دنبلمانیک
برخورد کرده و مشروط استعفا میدهند اما مکان
ما نوزدها نشانیاند. به گفتگویش با روزنامه
با مداخله توجه کنید، همچنان دم خور و تمایلش
به پادشاهی است که از سران تحریکات
علیه خوزستان میشود... چون احساس کردم،
موضوع فقط من هستم... لذا به ترات کار
سروم. البته اگر امراری است که در اینجا
باشم شرط است که تا اول آذرماه تکلیف عناصر
آشوب طلب روشن شود. " (با مداخله، شنبه
دوازدهم آبان)

دو سه روز بعد از اعلام استعفا مشروط
مدنی، همبکجهای وی (مجمع عمومی شورا-
های شورشی ستاد و بکجهای مختلف نیروی
درباری) (میتوان حدس زد که این شورا
چگونه شورائی است) طی سبانهای نگرانی
خود را از این امر اعلام می دارند و بطور ضمنی
از مدنی بعنوان فرزند راستین انقلاب یاد
میکند که دشمنانش علیه او مطالب " مغرانه
و اوای منتشر میکنند... (اطلاعات سه شنبه
۱۵ آبان ماه) همین اشاره از بناییکه
کافیست تا آگاهی راکه از مدنی حمایت کرده-
و او را فرزند راستین انقلاب قلمداد کرده -
اند، معرفی نماید.

مدنی، (ساواک و پرسیدگان رژیم فاشیست
ماه) انقلابی و راک معرفی شوند، طبعی
است که فرزندان راستین خلق کدلی مبارزات
خوبشان با رژیم ماه امچان مذاقت و با-
مداری خود را بسپارند، ساواک و کدلی
کمیونسیتها قلمداد میشوند.

آنگاه با اسناد در مورد مدنی گفته شد به
وجود مسوولان دجیره، مردود و راک محض کند، اما
از آنجا که استعفا با مداخله در دست آرادگان
جای نکات قابل سوچی است قسمتیایی از
آرامی آوریم.

امیر اسرار جمعی فرمانداران آرادگان
کده بعنوان اعتراض علیه مدنی (و در واقع
و به احتمال زیاد در برابر گریبای، مانع
دباجی) استعفا کرده، در نامه خود نوشته است
که مدنی مسوولان شومانی از بیت المال را
برای تبلیغات شخصی خود، به روحانیها
پرداخته و افراد را واک و با بدراستخوان
منا و رمیشول در اسناداری، نگار گرفته
است. قسمتیایی از منبج استعفا نامه، فرمان-
داران آرادگان بشرح ریاست:

۱- حمایت علمی و رسمی استان دارخوزستان
ارتا بورجینا و جبهه گیری در برابر
روحانیت مغربی و جوانان مسلمان انقلابی
۲- به کارگرفتن آگاهانه افراد با واکسی و
مرجع و ناسمخوان منا و رمیشول در
اسناداری خوزستان.

۳- دستگیری مردم بیکه و انجام چند اعدام
سارشی جهت تحکیم موقعیت ساسی
استاداری خوزستان.

۴- مذاقلا تا مدنی هر معترضی و هر منتقدی
از طرف استان داری

۵- انتخاب فرمانداران و شهرداران نظامی
در شهرهای مختلف استان خوزستان
۶- ایجاد کمیته، استعفا طی از درجه داران
و سربازان ارتش و پرداخت حقوق کلان و
امکانات و استفاده از آنان بعنوان کاردار
جاویدان.

۷- پرداخت مبلوسونها تومان سود حبسیت المال
بدرو جانی شما تا و شوخ جهت نشاند
موقعیت تبلیغات شخصی.

۸- پرداخت هزینه های باب اعلامیه و نشر
تبلیغات ریاست جمهوری از بیت المال
مسامحین.

۹- اعزام افرادی به خارج از کشور جهت
سخنرانی و بخش اعلامیه در رابطه با ریاست

چگونه بورژوازی، کارگران مبارز و حق طلب را تهدید میکند؟

"مروری بر پیام شورای انقلاب"

بی بایشان آوردن دستمردها از طریق قطع پرداخت سودیژه، نیز هست و شورای انقلاب با چنین استدلال دروغین تنها پشت خود را در پیمایش کارگران که ارقام و آمار درست صادر است، را قیلاز هر چیزی، نابود و گوشت خود و در زندگی روزمره شان لمس میکنند و تشخیص میدهند، باز صحت دارد.

اما آنچه " شورای انقلاب " بنا بر این است
 بورژوازی خود هیچوقت نمیتواند درک کند
 این است که آیا اساساً کارگر میتواند با ۵۴۶
 ربال مزد (که کفایت بهنجوه در بیشتر
 جاها بدوخت نمیشود) زندگی کند یا نه ؟

این قانون اساسی باز شده است و معلوم گردیده که آنان برای همیشه خواهان وابستگی هستند.

در این پیام " شورای انقلاب " از دو برابر شدن مزدها حرف زده است. اما بپیمیم واقیعت چیست ؟ در تاریخ ۲۵ تیر ماه مزد کارگران ساده ظاهراً از ۲۱۷ ریال (مزد رسمی قبلی) به ۵۶۶ ریال افزایش یافت . میگوئیم ظاهراً ، چراکه همه میدانیم در اکثر بخشهای صنعتی و تولیدی و حتی کشاورزی مزد واقعی کارگران بسیار بیشتر از این مبلغ بود (و احتمالاً در رشتههای بسیار عقب مانده

کارگران به این دلیل ساده که مزد آنان کمتر از آن است که بتوانند با آن زندگی حداقل داشته باشند بر علیه سرمایه داران مبارزه میکنند. (تفاوت ۵۲۶ ریال با ۱۰۴۰ ریال خود منطق ساده مابرائی است)

و شورای انقلاب نیز درست به این دلیل ساده که علیرغم هورتک و لعاب مذهبی و انسان دوستی که برچهره زند، از درک رنج و خواست کارگران عاجز است، آنان را تهدید میکند!

سند شاخ و شوشه برای کارگران مبارز بکند، کارگرایی که در پی احقاق حق خود هستند، در استقامت جدولی را که در زمان شاه خاکن برای پرداخت حداقل دستمزد به کارگران تهیه کرده است در پیش روی همه میگذاریم، ناخودآگاهاً و بکشد که زندگی کردن با ۶۶۴ ریال یعنی چه؟ و آیا اگر کارگری بخواهد حداقل آنچنان که رژیم شاه برسمیت شناخته است زندگی کند جز مبارزه کردن با سرمایه‌دار و دولت حامی او، راهی دارد؟

بجملہ اذکار کتاب قانون کا انقلابی
ازانتشارات سازمان :

حد اقل نیازمندیهای زیستی

بک خانوار ۲ نثری نگارگری در ایران

بمقتور پر آورد حد اقل دستبرد کارگران

چنین مردی پرداخت میشد و در اکثر بخشهای صنعتی، کشاورزی و خدمات، حداقل مزد بیش از ۳۰۰ ریال بود. گذشته از این، این افزایش مزد (با همین نسبت) شامل همه کارگران یعنی کارگران با سابقه و فنی نمیشد. از این بید که بگذریم، آپا میتوان مزد واقعی را بدون توجه به میزان افزایش قیمتها (گرای) شنید؟ آیا از شرماء تاکنون قیمت نه ثابت مانده است؟ همه تا حدی که همه! افزایش قیمتها از اول سال جاری تاکنون به گفته آقای غفوری در "مجلس خبرگان" حدود ۲۲/۵٪ است، که با این ساب میتوان گفت که در ۵ ماه اخیر (یعنی از زمان افزایش سزمدها تاکنون) قیمت حدود ۲۵٪ بالا رفته و با معارفت دیگر قدرت خرید کارگران ۲۵٪ باثبات آمده است. اما ضعیف فقط بدینجا

ختم نمیشود. اخیراً هیئت حاکمه از طریق "وزارت کار" درصدد اجرای توطئه‌ای برعلیه کارگران شاغل است. بنابین معنی که می‌خواهند پرداخت "سودویزه" را که چیزی نیست جز جزیی از حقوق کارگران، قطع کنند. اگر در نظریه‌گریم که مبلغ سودویزه پرداختی به کارگران حدوداً به‌عنوان ۴ ماه مزد سالیانه است (برخی جاها کمتر و بعضی جاها بیشتر) بنا براین هیئت حاکمه برای عدم پرداخت ۲۵٪ از مزد کارگران در حال ثلاث است (۳ ماه مزد برابر ۲۵٪ مزد سالیانه است ولی اگر از مجموع ۲۵٪ باافاضه مزد اصلی سالیانه، ۲۵٪ را کم کنیم، نسبت پائین آمدن مزد ۲۰٪ میشود) بنا براین ملاحظه میشود نه از ابتدا مزد ها واقعا دوبرابر افزایش داشته است و نه اگر دوبرابر شده مزد تمام کارگر است و نه برابر شده و نه از آن زمان تا حال قیمتها ثابت مانده و تازه وزارت کار در

۸/۲۶ " شورای انقلاب " پیامی بتاریخ
منتشر ساخته و طی آن هرگونه تظاهرات و
تجمع و اقدام مبارزاتی را از جانب کارگر-
ان ممنوع اعلام کرده است. " شورای انقلاب "
در این پیام کارگران را به مجازات تهدید
کرده و مبارزه آنان را بر علیه ظلم و ستم
کارفرمایان و مبارزه برای کسب حقوق صنفی
و علیه سبکدستی، عملی " ضدانقلابی " خوانده
است. این اولین تهدید " شورای انقلاب " و
" دولت " نیست و مسلماً آخرین آن نیز نخواهد
بود. قبل از این نیز " شورای انقلاب " بسا
تصویب ماده ۹ قوانین " جرائم ضد انقلاب "
برای کارگران پیشر و اعتصابی مدت ۲ تا ۱۵
سال زندان معین کرده بود! بازرگانان این
خاستن ضد انقلاب و خلق که ۴ ماه تمام، شب
و روز را در تظاهرات برای نوازی سیستم
سرما دداری وابسته، ارتش شاهنشاهی در هم
ریخته و ادارات فاسد شده گذرانده است،
قبل از این در اکثر نطقهای رادیو تلویزی -
ونی خود، کارگران مبارز و حق طلب را
" ضد انقلابی " معرفی کرده است!! و بدین
ترتیب کوبی کارگران آگاه از این نسوع
و مکر را به کار ملاّنا پیسته گویندگان است
بی. باشد.

آری، رفقای کارگر اینک با بسیجی‌ها
جدیدتر، ترکیب‌هست حاکمه، شورای انقلاب
که ۹ ماه تمام در کنار همان آقای بازگان نقش
همدست و همکار وی را بازی کرده است،
زیرت‌های انقلاب، می‌گردد.

آنها را وگنری منازات ضد امیرالیهستی خلق را بهانه قرار داده و درست کارگرانی را تهدید میکنند که آگاه و ضد امیرالیهست واقعی هستند و در ۹ ماهه اخیر شعارهای ضد امیرالیهستی را که امروز توده‌ها در سطح گسترده‌ای به کوچه و خیابان آورده‌اند، تکرار می‌کردند. با این نیرنگ بازی که گویا مبارزه کارگران بر علیه سرمایه‌داران و استبداد بزرگ، از مبارزه ضد امیرالیهستی جداست!

"شورای انقلاب" از "ملی شدن صنایع حرف میزند، ما میسریم که آیا "ملی" ندنی که مورد پسند آقای بازرگان بود، می- تواند مورد قبول کارگران نیز باشد؟ "ملی" ندنی که در آن سرمایه داری وابسته سرچایش میماند و تنها برخی از سرمایه های وابسته خصوصی (نظیر لاجوردی، خیامی ...) دولتی می شود، بدون اینکه در آن وابستگی به خارج قطع گردد، بدون آنکه حتی یک تفران سرمایه خارجی که خون کارگران ما را مکیده است، معاذره شود. آری، چنین باصلاح ملی ندنی دزدی از کارگران ما را داد. می کند؟ مسلماً، نه! "شورای انقلاب نمیتواند از "ملی شدن صنایع حرف میزند چرا که در قانون اساسی کارگران سرمایه داری وابسته بر سر می نشاند شده است. یعنی تمام آن تریبیکاران که می گویند اگر وابستگی را بلافاصله قطع کنیم اقتصاد ملی می شود کارگران بیشتر بی کار می شوند. استدلالی که عده ای از همین اغای شورای انقلاب هم میکنند، مشت تان با تصویب

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در هر سال به کیلوگرم	قیمت واحد کالا براساس قیمت خرود - فروش	قیمت کل (ریال)
الف - خوراک	مصرف در هر برسب کم		
نان	۳۰۰۰	۱۰۰/۵	۲۷۲۵۰
برنج چپا	۲۵۰	۹۱/۲	۲۸۴۰
حبوبات	۱۰۰	۳۶/۵	۳۶۰۰
گوشت گوساله	۲۰۰	۷۳	۲۱۹۰۰
روغن نباتی	۱۰۰	۳۶/۵	۳۶۵۰
ماست	۲۰۰	۷۳	۳۶۵۰
بنبسر	۵۰	۱۸/۲	۳۲۲۶
قند	۵۰	۱۸/۲	۵۳۷
شکر	۱۰۰	۳۶/۵	۱۰۹۵
چای	۲۰	۷/۳	۲۹۲۰
سبزی	۲۰۰	۷۳	۲۱۹۰
اسفناج	۸۰۰	۲۹۳	۸۷۹۰
گوجه فرنگی	۲۵۰	۹۱/۲	۲۲۷۶
سیب زمینی	۲۵۰	۹۱/۲	۲۲۷۶
میوه	۸۰۰	۲۹۲	۱۴۶۰۰

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالا (ریال)	نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالا (ریال)
ب- بوناد	۱ دست	۵۰۰۰	آب	—	۱۰۰
کتشلوار نخ پشمی	۳ عدد	۱۰۰۰	روشنائی	—	۱۰۰
پیراهن	۳ عدد	۳۰۰	سوخت (نفت ، هیوم)	—	۳۰۰
زیر پیراهن	۳ عدد	۱۰۰	د- بهداشت و نظافت	—	۴۰
زیرشلوار	۳ عدد	۳۰۰	حمام برای مرد (هرماه)	۳۶ بار	۱۴۴۰
حیراب	۴ جفت	۲۰۰	سه پارا	—	۴۰
کفش	۱ جفت	۱۶۰۰	حمام برای زن (هرماه)	۳۶ بار	۱۴۴۰
بلوزن پشمی (هر سه سال یک عدد)	۱ عدد	۳۰۰	سه پارا	—	۴۰
پالتو (هر سه سال یک عدد)	۱ عدد	۱۴۵۰	حمام برای کودکان (هرماه)	۳۶ بار	۱۴۴۰
پیراهن تابستانی چیت	۲ عدد	۱۰۰۰	اصلاح سرو صورت مرد (هرماه)	۲۴	۲۴۰۰
پیراهن زمستانی	۲ عدد	۱۰۰۰	اصلاح سرکودکان (هرماه)	۲۴	۲۸۸۰
جوراب نخی	۳ جفت	۲۱۰	اصلاح سرکودکان (هرماه)	۲۴	۲۸۸۰
پوشش زیر (شامل دو قطعه)	۲ دست	۲۵۰	لباس (هرماه)	۴۸	۷۲۰
بلوزن پشمی (هر سه سال یک عدد)	۱ عدد	۳۰۰	ضاجن برای مصرف روزانه (هرماه)	۱۲	۲۴۰
کفش یا گالش	۲ جفت	۲۰۰۰	روزانه (هرماه)	—	—
روسی	۱ عدد	۲۰۰	ه- درمان	—	—
چادر نماز چیت	۲ عدد	۸۰۰	خانواده ، بیمه درمانی است	—	—
فوزندان:	دو دست	۲۵۰۰	و- آموزش	—	—
کت و شلوار (هر یک یک عدد)	۴ عدد	۲۴۰۰	لوازم التحریر	—	—
پیراهن (هر یک دو عدد)	۴ عدد	۸۰۰	ژ- ایاب و ذهاب	—	—
زیر پیراهن (. . .)	۴ عدد	۲۲۰	مناشر و مسافری تقریبی	—	—
زیرشلوار (. . .)	۴ عدد	۲۵۰	ایاب و ذهاب روزانه	—	—
جوراب (هر یک دو عدد)	۶ جفت	۲۴۰	(۴) بلوط و ریالی برای خانوار (هر ماه یکبار)	—	—
بلوزن پشمی (هر یک دو عدد)	۲ جفت	۵۰۰	دید و بازدید خانوار	—	—
کفش (هر یک دو عدد)	۲ جفت	۸۰۰	از دوستان و بستگان (ماهی یکبار)	—	—
پالتو (هر یک دو عدد)	۲ جفت	۱۶۰۰	مسافرت خانواده به محل زادگاه خود (سالانه یکبار)	—	—
زیر پیراهن (هر یک دو عدد)	۲ جفت	۲۰۰۰	زیارت ماهیانه یکبار	—	—
ج- تسکین و اثاث منزل	یک اضافی	۸۰۰	ح: دخانیات (روزانه)	—	—
آب و برق و سوخت	—	—	د: دید و بازدید خانوار	—	—
یک اطاق و پستول برای استفاده تمام آنها	—	—	از دوستان و بستگان (ماهی یکبار)	—	—
با آتشخیز	—	—	مسافرت خانواده به محل زادگاه خود (سالانه یکبار)	—	—
اثاثیه منزل	—	—	زیارت ماهیانه یکبار	—	—

• این جدول در ریال دیگر تقریباً و برآورد ندارد • به همین جهت بلوط پنج ریالی حساب می‌گردد

$$\text{حداقل هزینه زندگی روزانه خانوار کارگری (ریال)} = ۸۳۲ = ۳۰۳۷۲۱ \div ۳۶۵$$

حداقل دستمزد روزانه کارگر

(براساس حداقل هزینه زندگی روزانه خانوار کارگری) = ۸۳۲ ریال

حداقل دستمزد ماهیانه کارگر (براساس

حداقل هزینه زندگی ماهیانه خانوار کارگری) = ۲۵۳۱۰ ریال - اوا خربها را سال -

و تسنجیده می‌توانید در پی خواسته‌های برخی صنفی و سیاسی خود به پیش بروید!



خود بیرون بیاندازید، و آنرا واقعاً ملی کنید، اکنون درست از جانب کسانی که همه تمام سرمایه‌داری وابسته را حفظ کرده‌اند و اخیراً آنرا با قانون اساسی جدید رسمیت نیز بخشیده‌اند، در معرض حمله قرار گرفته - آید، تنها از طریق شکل و اتحاد با یکدیگر و بهره‌ای از هرگونه برخورد های حساب نشده

همانطور که ملاحظه می‌کنید حداقل مزدی که کارگر بتواند با آن زندگی کند (البته این جدول نشان می‌دهد که سرمایه‌داری چه در زمان شاه و در حال حاضر چگونه زندگی‌ای را برای کارگران برسمیت شناخته است) مساوی ۸۳۲ ریال در روز است و اگر در نظر داشته باشیم که حداقل از زمان شبهه این آمار تاکنون قیمت‌ها ۲۵٪ بالا رفته است، این حداقل زندگی امروز با ۱۰۴۰ ریال امکان پذیر است. ۱۰۴۰ ریال را مقایسه کنید با ۵۷۶ ریال (که تازه همه جا پرداخت نمی‌شود) آنوقت ذات بورژوازی و ضدکارگری "شورای انقلاب" را خواهید دید. آنوقت خواهید دید که اینان ماهیت بورژوازی خود را در پرده - ای از پدرمائی به مردم (بخوان دیدگاه چوبان گله‌ای) پوخته‌اند و نرسرکارگران منت میگذارند که ما حقوق شما را دوبرابر کردیم و ... چگونه در عمل و حتی در حرف زدن و تبلیغات همان سیاست بورژوازی رژیم گذشته را دارند!

آری، کارگران به این دلیل ساده که مزد آنان کمتر از آن است که بتوانند با آن زندگی حداقل داشته باشند بر علیه سرمایه - داران مبارزه می‌کنند (تفاوت ۵۷۶ ریال با ۱۰۴۰ ریال خود منطق ساده اما برایی است) و شورای انقلاب نیز درست به این دلیل ساده که علی‌رغم هر رنگ و لعاب مذهبی و انسان دوستی که بر چهره زند، از درک رنج و خواست کارگران عاجز است، آنان را تهدید می‌کند!

اما تهدید "کارگران بیکار" که برای کار، "حق بیمه بیکاری"، داشتن محل - تشکیلات و ... مبارزه می‌کنند به مراتب از "تهدید" کارگران شاغل، ارتجائی تر است و به بهترین وجهی سیمای "مستضعف" دوستان را نشان می‌دهد، از نظراین آقایان حقوق ساواکیها باید پرداخت شود، حقوقهای کلان مدیرکل ها و روسای بزرگ رژیم شاه باید پرداخت شود، غرامت به سرمایه‌داران خارجی نباید پرداخت شود، حق سرمایه‌داران بزرگ وابسته و داخلی (منهای فاسدترین و تنه - کارترین آنان نظیر دربار و نزدیکان آن) محفوظ است ... اما کارگر بیکار حق ندارد برای نجات از گرسنگی مبارزه کند!! رفقای کارگر!

کارگران شاغل و کارگران بیکار! همچنانکه ملاحظه می‌کنید شما هر دو با یک سیاست واحد ضدکارگری در معرض تهدید و توطئه قرار دارید. شما که ۹ ماه تمام توسط نمایندگان آگاه و مبارز خود خواستار قطع سلطه امپریالیستها بوده‌اید و حتی بسیاری از مبارزات و تحمیل‌های شما به این خاطر بوده است که سرمایه‌داران وابسته را از موطنه

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بقیه از صفحه ۲

امپریالیسم آمریکا ...

دوایره، توسط امپریالیسم آمریکا و بوجریه حواری، شاه فراری در خدمت ماشین عظیم حکمی آمریکا قرار گرفته و سوارات افزایش قیمت نفت، سهم بیشتر از آن، اختصاصی به امور نظامی یافته است. مثلا در سال ۱۳۵۴ هیرمان با افزایش قیمت نفت توسط کشورهای مادرکنده نفت (اوک) که به پنج برابر قیمت قبلی رسید و درآمد ایران بطور ناگهانی چند برابر شد، سوارات آن با چنین پولها - سی طریقت تربیت سلحه سیر افزایش سرمایه - آوری پیدا کرد. بطوریکه در همان سال، بودجه دفاعی کشور نسبت به سال قبل ۱۲۱ درصد فزونی گرفت!

فروش سلحه و مهمات از جانب منابع نظامی آمریکا به ایران که در نظر شخصی شاه انجام میگرفت، مبالغ عظیمی نیز بصورت حق دلالی و رشوه نصیب شاه و خاندان سنگین او و امثال دولتماندانان خا می نمود. مردم محروم و ستم دیده ایران میبایست پول این رشوها و حق دلالی را را نیز بپردازند، چرا که فروشندگان آمریکائی این پولها را نیز به قیمت های رسمی تجهیزات نظامی میافزودند. شاه هزارتاه سعی میکرد این اشیاء را از خود دور نموده و متوجه بعضی از امرای لشکری و کشوری بشمارد و گاه حتی تعدادی از آنها را بههمین دلیل بمحاکمه می کشید. محاکمه فرمانده نیروی دریائی در سال ۱۳۵۵ و پس فرمانده ژاندارمری در سال ۱۳۵۲ از این جمله اند. در جریان تحقیقات کنگره آمریکا در سال ۱۳۵۵ که برای بررسی زردپهای آشکار در معاملات سلحه تشکیل شده بود، فاش شد که افراد بسیار بیشتری در اینگونه فعالیتها شرکت داشته اند، مثلا معلوم شد که شیرام پسر اشرف و همچنین خاتمی فرمانده نیروی هوایی هر دو دلال کمپانی نورثروپ بوده اند که از این طریق مبالغ هنگفتی نصیبشان شده است. بیشترین خریدهای نیروی هوایی - اختصاصی داشت که خارج آن تا سال ۱۳۵۵ به ۱۱/۸ میلیارد دلار بالغ بوده است. رژیم شاه در اواخر سال ۱۳۵۶ تعداد یک قلم - ۲۹۰ فروند هواپیمای اف - ۴ (فانتوم) ۱۶۰۰ فروند اف - ۱۶، ۸۰۰ فروند اف - ۱۴ و ۲۳ فروند اف - ۵ سازش داده میبایست طی دو سال تحویل ایران گردد. طی همین سال مبلغ فروش سلحه آمریکائی به ایران رقم نجومی ۵/۵ میلیارد دلار بوده است. لازم بذکر است که این خریده ها تقریباً ۱/۵ برابر قیمت بین المللی برای ماتام میشده است. مثلا هوا - پیمای اف - ۱۴ که توسط کمپانیهای آمریکا - شی به قیمت ۱۰۰ میلیون فرانک به نیروی دریائی آمریکا فروخته میشد، در همان زمان (با در نظر گرفتن اینکه اجناس صادراتی)

معمولاً ارزاتر است) به قیمت ۱۵۰ میلیون فرانک در اختیار ایران قرار میگرفت. در گزارش کنگسته سای خارجی آمریکا در سال ۱۳۵۵ گفته شده است که تنها در طی سالهای ۵۵ - ۱۳۵۱ مبلغ کل فروش سلحه به ایران بالغ بر ۱۰/۴ میلیارد دلار بوده است. اسرافات سرمایه آفرینشها به خرید سلحه از آمریکا مربوط میشود، طی این سالها سلل سلحه از کشورهای امپریالیستی دیگر نیز از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان

بدون دگرگونی اساسی وریشه های در ارتش و نفوذ امپریالیسم آمریکا نمی تواند در میان باشد.

نوکران بومی امپریالیستها در درون ارتش و در لباس ارتش جمهوری اسلامی، گماکان مشغول انجام "وظیفه" می باشند.

اشکال مختلف وابستگی ایران به آمریکا، نشان خواهد داد، اما مسئله این است که توده های ما شاهد بوده اند که هیئت حاکمه فعلی در عرض ۹ ماه اخیر حاضر شده اسراری را که پیش خود دارد برای خلق افشا سازد و حتی هنوز محتوای قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا نیز سر ملا نشده است.

در حال حاضر کسانی که شیرینام ارتش تا هتایی به ارتش جمهوری اسلامی و اعدام کسی چند زمره های شاخه شده امپریالیسم را در ارتش کافی دانسته و کسانی را که خواهان دگرگونی اساسی در نظام ارتش ایران هستند، آماج حملات خود قرار میدهند، کسانی که فرماندهان مزدور شاه و امپریالیسم را نظیر شاکر، فلاخی و ... به کار گماشته اند و عساکری نظیر چمران این چهره شناخته شده حامی امپریالیسم آمریکا را در ارتش قرار داده اند، کسانی که حتی یک فرمانده ارتشی را بحرم کشتار خلق عمان (ظفار) به محاکمه نکتیده اند و سرعکس آنها را همچنان بخدمت گمارده اند و ... دانسته یا ندانسته راه خیانت به خلق را سرگزیده و آب به آساب امپریالیستها میریزند.

اکنون که خلق قهرمان ایران یکپارچه خواهان استرداد شاه خائن میشدند، برخی محافل حاکم سعی دارند آگاهانه این امر را چنان بزرگ نمایند که مسئله اصلی، یعنی امپریالیسم جنایتکار آمریکا این دشمن اصلی خلقهای ایران، تا حد امکان از دید توده ها پوشیده بماند. بدیهی است که خلقهای ایران که بدرستی دشمن اصلی خود را امپریالیسم آمریکا تشخیص داده اند، دیگر اجازه نخواهند داد تا زبر شاهرهای فدا مر - یکائی، مسئله وابستگی های اقتصادی، نظامی و فرهنگی کم رنگ شده و از تعرض توده ها درمان بماند. قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا! اینست محور اساسی خواستهای خلق، اینست استقلال واقعی!

و ... به کشور ما - در مقابل غارت نفت - جریان داشته است. کافی است بتوانیم نمونه فروش سلحه انگلستان به ایران را طی سال ۱۳۵۷ در نظر آوریم که طبق ادعای خود انگلیسیها، ایران بزرگترین مشتری منابع نظامی امپریالیسم انگلستان بوده است (روزنامه تایمز لندن "ماه مه" ۱۳۵۷). بطوریکه طی همان سال ۶۰ درصد صادرات سلحه انگلیس به ایران فروخته شده است.

همانطور که در بالا گفته شد، جریان سبل آسای سلحه و مهمات جنگی با ایران، همراه بوده است با حضور خیل جاسوسان امپریالیسم که تحت عناوین کارشناس و مستشار نظامی در ایران فعالیت میکردند. بطوریکه در سال ۱۳۵۷ نزدیک به ۵۰ هزار کار در نظامی آمریکائی، همراه با خانواده هایشان در ایران اقامت داشتند. اینهمه علاوه بر آن نوکران بومی امپریالیستها در درون ارتش است که هم اکنون نیز در لباس ارتش جمهوری اسلامی، مشغول انجام "وظیفه" میشدند. طی سالهای گذشته امپریالیسم آمریکا از طریق ژاندارمری منطقه ای خود، رژیم شاه، نه تنها کوچکترین ندای آزادیخواهی را در درون کشور در گلو خفه نمینمود، بلکه در سرکوب جنبشهای آزادیبخش منطقه نیز مستقیماً شرکت داشت.

پرسنل هوایی آمریکا، مستقر در ایران همراه با همکاران ایرانیان در جریان جنگ کردستان عراق و همچنین تنها جموحنیه به ظفار شرکت مستقیم داشته است. رژیم شاه با فرستادن سلحه و مهمات به رژیمهای ارتجاعی و مدخلقی ویتنام جنوبی، اردن، مراکش، سومالی و یمن شمالی که همگی به قیمت فقر و محرومیت خلقهای ایران، در خدمت منافع اربابان امپریالیستش صورت میگرفت، وظیفه ژاندارمری خود را بخوبی ایفا میکرد. شناخت هرچه بیشتر از چگونگی و عملکرد ارتش شاهنشاهی در طی سالهای گذشته و نقش

همه قراردادهای اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!

بقیه از صفحه ۲

رفراندام ...

اساسی به چنین خواسته‌هایی پاسخ نمی‌دهد .
- رحمتکشان مادر این مرحله از حیات اجتماعی خویش، خواستار محدود شدن مالکیت بزرگ هستند، اما قانون اساسی بنا بر کارکرد اصطلاح "مالکیت مشروع و مشروط" راه را، هم برای غارت سرمایه‌داران خارجی و هم سرمایه‌داران بزرگ داخلی باز گذاشته است .
- کارگران خواستار حق اعتصاب، ۴۰ ساعت کار در هفته و ... هستند اما قانون اساسی چنین حقی را برسمیت شناخته است .
زمین برای دهقانان اعم از زمین‌های کوچکی که دهقانان روی آن کار میکنند، و یا زمین‌های مالکان بزرگ که نباید تقسیم شود، بلکه با بستی توسط شوراها و دهقانی اداره گردد، و کار برای بیکاران و یا "حق بیمه بیکاری" تدبیر معنی که دولت موظف است یا کار بیکار را بدهد و یا "حق بیمه بیکاری" پرداخت نماید ... هیچکدام در قانون اساسی احیاء برسمیت شناخته نشده است .
- آموزش اجباری و رایگان برای نوجوانان، بهداشت و درمان محاسنی برای همه افراد ملت، از جمله حقوق مسلم خلق ماست که قانون اساسی آنها را زیر پا گذاشته است .

بنا بر این ملاحظه میکنیم که این قانون اساسی به خواست خلقهای مایه‌ساخته و منحیرست به پای رحمتکشان، این قانون در واقع دهن کجی میوه چنان انقلاب

رفقا! هواداران!

مادرانتشار پیکار، از نقطه نظر بالابردن تیراز آن با اشکالات جدی مواجه هستیم، همین امر باعث شده که ما نتوانیم پیکار را با اندازه مورد نیاز تکثیر کرده و در اختیار رکنیه رفقا و خوانندگان بگذاریم، به همین علت از آغاز تا به امروز همگام با تیک هیئت حاکمه، یعنی از شهریور ماه تاکنون پیکار به طور مرتب بدست رفقای هوادار و دیگر خوانندگان نرسیده است و غالباً رفقا مجبورند که آنرا دست بیکرد اند و مسلماً چنین وضعی باعث گردیده که پیکار

و امثال بهشتی ها به مردم ستم دیده ماست، و جز این نیز نمی توانست باشد، چرا که طبقه کارگر را بتظناری جز این از بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی ندارد. بنا بر دلایل فوق و دلایل مشروح نری که قبل از این نیز، در پیکار بر دانه پرداخته ایم، و از آنجا که چنین قانونی را توهین بخلق خود میداند و معتقدیم که این قانون خون ۷۰ هزار شهید و یکصد هزار زخمی را که خلق ما در

گشت و توده‌هایی که امروز با ها بهیوی و تبلیغات گسترده رادیو و تلویزیون و تبلیغات منبری ها و فتوای مراجع و حتی تهدیدهای ضمنی و غیره و غیره به پای صندوق ها کشیده میشوند، فردا میوه چنان انقلاب و انحطاط طلبان قشری و حامیان امپریالیسم را که چنین قانونی را بخورد آنان می دهند به محاکمه خواهند کشید. آنها از همین امروز جای چنین عملی را

● قانون اساسی ای که بهیچوجه با فروش فدا میریالیستی خلق ما و پیکار آنان بر علیه امپریالیسم آمریکا تطابق ندارد، بهر فراندوم گذاشته شد.

جریان انقلاب تا تمام خود، در آستانه انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی اش قرار می‌گیرد است، پایمال میکند، و همچنین به این دلیل که نحوه تشکیل این مجلس را که با زیر پا گذاشتن قول مجلس موسسان، و تقلب و عوام‌فریبی و اعمال نظرات "حزب جمهوری اسلامی" و شرکا، آن همراه بود - موضوعی که با مدرک و سند و در زمان خود از جانب نیروهای راستین کمونیست و نیروهای انقلابی دیگر به پیشگاه خلق ارائه گردید - قبول نداشتیم، شرکت در فراندوم را تحریم کردیم و در طی اعلامیه ۵۸/۹/۶ به طور مشروح آنرا به اطلاع خلق رساندیم.

رفراندام در چه شرایطی برگزار میگردد؟

ممکن است هیئت حاکمه از اینکه توانسته است با سوء استفاده از احساسات مذهبی اکثریت توده‌ها و همچنین سوء استفاده از شور و سیج آنها بر علیه امپریالیسم آمریکا تعداد بیشتری را به پای صندوق ها بکشد، تا به محصول "خبرگان" وی رای مثبت دهند، خوشحال باشد. اما این خوشحالی در آینده‌ای نه چندان دور به ضد خود بدل خواهد

باز گذاشته اند! اکثریت آنها منطق ساده و در عین حال با معنای برای رای دادن دارند، آنها میگویند ما فقط به "اعتبار امام خمینی" و "خواست او" و "بخاطر او" رای میدهم. آری آنان با این استدلال خود در عین حال که توهیم خود را نسبت به رهبری مذهبی نشان میدهند و ملی مرز بندی خود را با میوه چنانی که خبرگان را می - چرخاندند نیز نشان میدهند، آنها صاف و ساده بی اعتمادی خود را به "خبرگان" اعلام میدارند، آنها بسیاری اوقات بدرستی عنوان میکنند که از محتوای قانون خبری ندارند ... بنا بر این شمت گیری فعلی خویش را که بر اساس بی اعتمادی به امثال بهشتی هاست، با صراحت بیان میکنند، به بیان دیگر معنای سخن توده‌ها آنست که آنان یکی یکی افراد و نمابندگان بی راکه بقدرت خریده اند، یا این خواهند کشید، همچنان که با زرگان و یزدی و ... را زیر کشیدند - هر چند که این افراد مورد حمایت آیت الله خمینی باشند. و این بیان ساده آن واقعیتی است که امروز در عرصه مبارزه طبقاتی جامعه ما در گذراست.

ادامه دارد ...

را در این کار باری رسانید. پیشنهاد - آتی که ما در این مورد داریم:

- ۱ - از هر طریق که میتوانست امکانات چاپی و تکثیر خود را با ما در میان بگذارد تا با رهنمودهای لازم حداکثر استفاده از این امکانات بعمل آید.
- ۲ - هسته‌ها و سلولهای انتخابی را با دکنید و از این طریق چه بیکار و چه اعلامیه‌ها و تراکت های سازمان را تکثیر کنید.

پیروز باشید

درخواست از هواداران

بر دلایله را نداشته با شویروا وضحت که این اشکال به مرتب تبلیغ و ترویج مادر سطح گسترده توده ای لطافت جدی میزند. اما مسلماً این کار راه حلها - ئی دارد که در آن آنها کمک و یاری رفقای هوادار قرار دارد. رفقا! ما بدون کمک و یاری شما نمیتوانیم تیراژ پیکار را با لا ببریم بنا بر این از هر طریق که میتوانید ما

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

اقدام انقلابی

کارگران کارخانه آلیاژ اراک

با آغاز فصل سرما که کار ساختمانی را کند میکند، کارفرمای ضدکارگران کارخانه آلیاژ اراک میخواست عده‌ای از کارگران موقت کارخانه را اخراج کند. ولی این توطئه با مخالفت متحدان کارگران مبارز این کارخانه، عملاً خنثی میگردد. ولی کارفرما دست به حیلۀ کثیف دیگری میزند. بدین ترتیب که در شب دوشنبه (۲۱ آبان) بعد از تعطیل شدن کارخانه، کارفرما دستگاه‌ها و وسایل حمل و نقل را با یک تریلی از کارخانه خارج میکند تا بدینوسیله کارگران را در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار دهد. ولی در همان شب شورای کارخانه از موضوع خبر شده و بطور فمال درجاده‌های اطراف و داخل شهر دنبال تریلی (حامل وسایل کارخانه) میگردد که بالاخره آنرا پیدا کرده و راننده را مجبور میکنند وسایل کار را به کارخانه برگرداند. صبح روز بعد که همه کارگران از موضوع باخبر میشوند از این دزدی و قبحانه کارفرما بدست عصبانی شده و برای جلوگیری از دستبرد کارفرما در شبهای بعد بطور رتوبشی ۵ نفر از کارگران برای حفاظت دستگاه‌های کارخانه کشیک میدهند. بعد از این پیروزی کارگران، کارفرما بدست و پا افتاده و در مذاکراتی که با شوروی کارخانه داشته، در مقابل فشار کارگران قبول میکند حق اخراج و استخدام بعد از شورای کارخانه باشد.

با چنین نمونه‌هایی کارگران خود را همدند می‌دانند که چگونه کارفرمایان به توطئه میزنند اما زمانیکه "شورای انقلاب" بر علیه کارگران مبارز و بیکاران منحن‌الدرم، بالدرم راه می‌اندازد، از آنجا که حافظ منافع سرمایه‌داران است این گونه اعمال سرمایه‌داران را نمی‌تواند ببیند:

مهمترین سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه‌دار، سازماندهی و تشکیلات است!

در کارخانه دکترا عییدی چه می‌گذرد؟

کردیم، چون امیدوار بودیم که بعد از انقلاب دارای زندگی بهتری خواهیم شد. ولی کارگران ما عملاً در کارخانه‌ای که در آن کار میکنیم شاهد این هستیم که کارفرمای ما با اخراج بیش از یکصد نفر از کارگران اداره حق ما را لگدمال میکند. چون همانطور که همه ما میدانیم یک کارگر وقتی که از کارخانه اخراج میشود یعنی اینکه زندگیش نا بهود میشود، چون غیر از نیروی با زوی خود که مجبور است بطور روزانه کار کند هیچ ذخیره دیگری نداریم و از طرف دیگر اینکار باعث میشود که به سبیل بیکاران جا معذور شود.

در ضمن این را بگوئیم که کارفرما برای رسیدن به این هدف خود را از ناآگاهی عده‌ای از کارگران سوء استفاده میکند، به این صورت که ما را بجا می‌دهد و ناگهانی به این تصور می‌اندازد که ما اگر اخراج شویم بقیه وضعیتمان بهبود خواهد یافت.

ولی کارگران، ما باید هوشیار باشیم که هر چند شما امروز دارای کار هستید ولی چه بسا ممکن است همین کارفرما فردا شما را هم اخراج نماید. بخاطر همین ما از تمام کارگران می‌خواهیم که با ما همداشته و همکارانی نمایند که ما دوباره سرکار برگردیم.

برادران و خواهران کارگر برای اینکه بتوانیم مشکلات خود را در کارخانه حل نموده و از اخراج بی دلیل کارگران جلوگیری نماییم احتیاج به یک شورای واقعی کارگری داریم که بتواند در مقابل این مشکلات از ما دفاع نماید.

کارگران اخراجی
لابرا توار در روسای دکتر عییدی

در شماره ۳۰ "پیکار" شرح کامل جریانی اخراج حدود صد کارگر از کارخانه داروسازی عییدی آورده شد. در اینجا توجه خوانندگان را به اعلامیه‌ای که کارگران اخراجی مزیور منتشر نموده اند جلب میکنیم. ولی قبل از آن توضیح اشتباهی را که در گزارش قبلی رخ داده است ضروری می‌بینیم. اشتباه این بود که در گزارش "تجمع کارگران کارخانه دکترا عییدی" آمده است: "در این موقع نماینده کارتون به میان کارگران آمد و گفت: ... در حالیکه صحبت‌های این بوده است که "در این موقع نماینده حزب جمهوری اسلامی به میان کارگران آمد و... با پوشش از خوانندگان عزیز و همچنین کارتون شورای متحد، اعلامیه کارگران اخراجی داروسازی عییدی را ملاحظه میکنید:

بنام خدا و ندم در هم گوبنده ستمگران
"در کارخانه عییدی چه می‌گذرد"
خواهران و برادران کارگر: همانطور که همه شما می‌دانید در روز شنبه ۵۸/۸/۱۲ توسط راننده‌های سرویس در موقع بازگشت از کارخانه اعلامیه‌ای خواننده شده در مجموع متن این اعلامیه بصورت زیر بوده است:

"همه کارگران بخاطر تعمیر کارخانه به مدت ۳ روز تعطیل میباشد ولی بعد از این تعطیلی به خدمت کما تیکه از ۱۵ مرداد استخدام شده‌اند، خاتمه داده میشود. این عده با تعیین وقت قبلی برای تسویه حساب مراجعه نمایند." کارگران عزیز همانطور که همه ما بخوبی میدانیم ما نقش زیادی در انقلاب داشتیم و خیلی از ما علاوه بر تحمل مشکلات بیکاری و غیره، عده زیادی از ما جوانان خود را از دست داده‌ایم، ولی تمام این ناراحتی‌ها را بادل و جان قبول

استاندار گیلان: "لغت برای انقلاب!"

کنیم. ما که همه اش غرق در خاک و کثافت هستیم تا شهر را تمیز نگهداریم. ما که ساعت ۳/۵ صبح مشغول کار میشویم ولی قدرت خرید مقداری میوه برای فرزندانمان نداریم... استاندار متحین را تهدید کرده است در صورتیکه سرکار برگردند از دیپلمه‌های بیکار استفاده خواهند. ولی پاسخ کارگران زحمتکش به استاندار اینست که این جوانان آگاه که دولت بهشان مارک خدا نقاب زده است نان ما را نمی‌برند، بلکه بیکار ما می‌شانند. کارگران خواهشهای خود را طوری یک قطعه نامه ماده‌ای اعلام کرده‌اند.

کارگران خدمات شهری و پارکی می‌دانند و دایره موتوری شهرداری رشت که حدود ۸۰۰ نفر میباشد. بخاطر عدم دریافت کمک هزینه به استانداری رفته و در آنجا متحین شده‌اند در تاریخ ۵۸/۸/۲۷ نماینده آنان به استناد می‌گوید که ما انقلاب کردیم که بنده خدائیل خواهی خود برسیم. استاندار خدا انقلابی با کمال وقاحت و بیشرمی می‌گوید: "لغت بر این انقلاب" نماینده کارگران جواب می‌گوید: "لغت بر خودت وجود آبادت، چرا می‌گویی لغت بر انقلاب، بخاطر اینکه در اثر آن ما توانسته‌ایم لا اقل فریب‌دمان را بلند

گرامی باد ۱۶ آذر روزی که جنبش دانشجویان و مبارزات رمانش خلق



گرامی باد خاطره سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان

شما بابت غیاصولی حماس بود و با آن مبارزه میکرد.

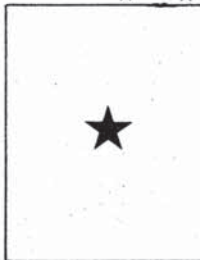
رفیق سحان الهی در پانزده سال در سر قرار رابط یک گروه مبارز مذهبی در خیابان هدایت تهران گرفت. دژخیمان پهلوی خبر دستگیری و شهادت رفیق را مسکوت گذاشتند. رفیق با حشام زبانی از دستگیری در زیر شکنجه های سبانه ساواک به شهادت رسیده است.



رفیق شهید

صادق
فرد نقوی
(مرتضی)

رفیق شهید صادق فرد نقوی (مرتضی) رفیق مرتضی در ناحیه کارگری بخش منشعب سازمان مجاهدین فعالیت میکرد. در نیمه آذر ماه سال ۵۵ که دژخیمان ساواک به منشعب و گسترش و خانه گردی دست زده بودند به خیال خوش با ارسن بودن سروشی انقلابی حکومت یونانی مدخلی بود را حادوا به اکتند رفیق همچون بسیاری از سروشی رزمده آن روزها به اسارت پلیس افساد و در زیر شکنجه جلادان ساواک به شهادت رسید. رزم جوی از او اعلام نکرد. باد رفیق هادی نقوی در دل شونده های زحمتکش ما همواره باقی است.



رفیق شهید

ابراهیم داوود

رفیق شهید ابراهیم داوود دانشجوی سابق دانشکده اقتصاد دهران بود. در بخش منشعب سازمان مجاهدین به مبارزه انقلابی خود ادامه میداد. در آذرماه ۵۴ بر سر قرار که با یک گروه مبارز لو رفته داشت از سوی آذینکشان ساواک شناسایی و دستگیر شد و احضار آذینکشان به شهادت رسیده است. رزم شاه خبری از او اعلام ننمود. باد گرامی باد.

آزادی خلق را سردادند

با یاد این رفقای دلیر، دژخیم خلقی که چنین فرزندی بار آورد و خود سرانجام با مبارزه و قیام دلاورانه خویش تجربه ای تازه در مقاومت خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و نمائند در تاریخ پیدا آورد، سر تعظیم فرود میآوریم. مادر شماره های قتل با دامنه های چند رفیق شهید را که در پانزده شهادت رسیده اند آوردیم و اینک یاد می کنیم از دیگر رفقای شهیدمان:



رفیق شهید
هاشم
و شقی پور
(لطیف)

خانه ها به ایدئولوژی دینه کارگر گراشد. رفیق در ناحیه کارگری بخش منشعب سازمان مجاهدین به فعالیت خود ادامه داد و در تهیه و انتشار نشریه "قیام کارگر" سهم فعال داشت. در ۱۱ آذرماه سال ۵۴ پس از سالها مبارزه صادقانه در راه رهایی خلق زحمتکش خویش به اسارت جلادان ساواک افتاد و در زیر شکنجه به شهادت رسید. رزم ارا و خبری اعلام نکرد. باد گرامی باد.



رفیق شهید
حسن
سحان الهی
(ستار)

را عملی ساخت و انقلابی بازگشت نوده ها را تضمین نمود و به همین دلیل او در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین به بخش منشعب پیوست. رفیق سحان الهی از جمله رفقای بود که استنباط و درک عمیقی از اهمیت وجود یک تشکلات منضبط داشت و بدرستی مبارزه قاطع وسی - امن با دشمن را جز از طریق یک تشکلات منضبط امکان پذیر نمیدانست. در این رابطه بود که

پانزده سال مصاف است با سالگرد شهادت ۱۵ رفیق از شهدای قهرمان بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران (س.م.خ.ا.) این رفقا که در دوران سراپا خفقان گذشته، در دورانی که شلاقهای دیکتاتور بورژوازی وابسته ضربات خونین خود را بر پیکر مجروح خلقهای زحمتکش ما فرو میآورد، در دورانی که شاه این دست نشانده امپریالیسم جنایت کار آمریکا می پنداشت که ایران را بصورت جزیره شتاب و بهشت غارتگران بین المللی درآورده است، در دورانی که تنها انقلابیون راستین میتوانستند سقوط رژیم و پیروزی نهایی خلق را درک کنند و تسلیم نشوند، آری این رفقا در آن دوران سیاه همه توان مبارزه اتی خود را در کفه اخلاص نهادند و امید چیز قطع کا کل سلطه امپریالیسم، و از گونی رژیم وابسته شاه و پیروزی زحمتکشان در سر پیدا شدند. آنها با درگوشه و خیابان آماج رگبار مسلسل های مزدوران شده، یاد زبیر شکنجه های دژخیمان ساواک جان داده و سرودند.

رفیق شهید هاشم و شقی پور (لطیف) رفیق در سال ۱۳۳۲ در خانواده ای نسبتاً فقیر در شهر قزوین متولد شد. پس از دوره ابتدایی تا گزیر شد ۴ سال ترک تحصیل کرد. به کار بپردازد و مخارج خود را تامین کند. دوره دبیرستان را (در عرض ۴ سال) شبانه سپایان برد و سرانجام از دانشکده پلی تکنیک در رشته برق فارغ التحصیل گشت. او با درک و روح مجروحان، اختلافات طبقاتی و قسمی که بر زحمتکشان در جامعه طبقاتی ما میروید از نزدیک آشنا بود. کار، مطالعه، مسافرت و دخوری با مستعدگان برای او درسیای زیاد داشت. درک طبقاتی و مطالعاتی که میکرد او را به مبارزه کشاند و در نتیجه آشنایی با متحد سینه یان میر دوست و رفیق شهید محمدحاج شمیمیادر سال ۴۷ به سازمان مجاهدین پیوست. با فربه شیرپور سال ۵۵ به این سازمان رفیق هاشم شد. رفیق ملی مبارزات انقلابی خویش سوزده کار در کار-

رفیق شهید حسن سحان الهی (ستار) رفیق دانشجوی سابق دانشکده فنی دانشگاه تبریز بود. او فعالیت تشکلاتی خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز کرد و جزو گروه های اولیه مجاهدین دستگیر شده بود که در سال ۵۵ دستگیر و همانند دیگر برادران مجاهد تحت شکنجه های حیوانی ساواک قرار گرفت. رفیق در زندان نیز به مبارزه خود با رژیم ادامه داد و به بالا بردن آموزش و تجارب مبارزاتی خود پرداخت. پس از آزادی از زندان رفیق بلافاصله به رفقای همزیم خود پیوست و زندگی مخفی را آغاز کرد. گوشه نشینی رفیق همواره این بود که مسائل شونده را عمیقتر درک کند تا بتواند خدمات بیشتری را در راه رهایی آنها انجام دهد. در این راه او با دفاعیه پی برد که تنها در پرتو آگاهی و ایمان به ایدئولوژی ملقبه کارگر است که میتوان رهایی همه زحمتکشان و توده های خلق

کارکنان بانک پارس

از ارسال حواله ارز

به اسرائیل خودداری کردند.

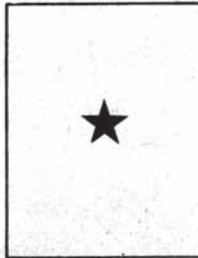
در تاریخ ۲۲ آبان اعلامیه‌ای از طرف شورا و سندیکای کارکنان بانک پارس انتشار یافته که در آن ضمن تاکید بر ضرورت تدوین مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا یک عمل ارتجاعی معادرت قدرت را افشا میکنند. آنها در اعلامیه‌شان مینویسند: "اما چگونه انقلاب و اهداف انقلابی ملت به بار پی گرفته میشود و دستور از بانک مرکزی جهت ارسال حواله ارز به اسرائیل به بانک پارس صادر میشود. از جایی که اهرم سیاستهای پولی و مالی کشور توسط آن اداره میشود، چگونه میتوان چنین عملی را توجیه کرد. آیا فراموش میشود که اسرائیل غاصب سرزمین فلسطین و دشمن خلقهای تحت ستم جهان است آیا تصور نمیشود هنوز دهاتی از مسئولین امور خواستار برگشت همان سیستم مالی هستند. چگونه میتوان بازی کردن با خون هزاران شهیدسخون خفته خلق را توجیه کرد. مگر ما انقلاب نکردیم (تا) هر گونه رابطه با اسرائیل را اعم از (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی) قطع کنیم. مگر انقلاب ماعیان و مخالفت بر عد امپریالیسم آمریکا نبود. چرا وقتی هنوز رخنهای ناشی از سلطه امپریالیسم و همونستم بر بیکر این ملت الشتم یافته دوباره به طریق مروزانه سعی بر ارتباط با آبان میشود. " اعلامیه سپس با تحلیل از اقدام انقلابی " کارمند-ان ارز" بانک پارس و اشاره به اعتصاب چند ساعته آنان که سرانجام منجر به آمدن چند نماینده از بانک مرکزی و دستور عدم پرداخت ارز میشود، بدین شکل پایان می-یابد: "ما ضمن افشای این موضوع قویاً هشدار میدهم که از انجام چنین اعمالی با تمام قدرت خودداری مینماییم."



جان مبارزه کرد، همواره گرامی خواهد بود.

★ ★ ★
خون این شهیدان عزیز دیگر شهیدای خلق تا قطع سلطه کامل امپریالیسم، نابرداری ایرانی مستقل، آزاد و دیمکراتیک، نابرداری جمهوری دیمکراتیک خلق، نابرداری حکومت کارگران و دهقانان که نیروهای مؤلفه جامعه هستند، میجوشد. خون آنها دینی است که ما در راه یک مبارزه آشتی ناپذیر با دشمنان خلق بگردن داریم. و در ادای آن کوچکترین تردیدی به خود راه نخواهیم داد.

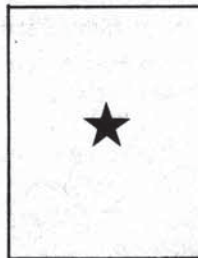
رفیق شهید

حوریه محسنیان
(صدیقه)

سرنوشت خویش را خود بدست گیرد، به اسارت جلادان ساواک افتاد و در زیر شکنجه عمال جیره خوار آمریکایه شهادت رسید. یار رفیق حوریه محسنیان که یکی از خیل زنان انقلابی میهن ما ست همواره گرامی خواهد ماند.

★ ★ ★

رفیق شهید

فاطمه تیفگی
(بهجت)

★ ★ ★

رفیق شهید

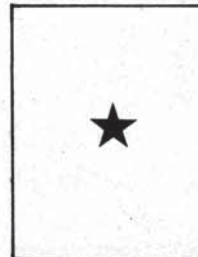
احمد
صادقی قهاره
(حسین)

آمد محمی گردید و با مادر خدمت مبارزه خلق قرار گرفت. بر اساس برخی اطلاعات که در دست است در آذرماه ۵۸ به اسارت دشمنان ساواک افتاد.

خبرهای بعدی نشان میداد که رفیق در زیر شکنجه جلادان ساواک شهادت رسیده است. یاد این رفیق شهید که نایب جان به آسمان انقلابی زحمتکشان وفادار ماند و مبارزه کرد همیشه گرامی است.

★ ★ ★

رفیق شهید

اکرم صادقیور
(نسرين)

یاد این رفیق شهید نیز که از زنان انقلابی میهن ما بود و مدتی با برادران و رفقای هم-رزم خویش در راه رهایی زحمتکشان، نایب

رفیق شهید حوریه محسنیان (صدیقه)

رفیق اهل مشهد و در آموزشگاه بهیاری اس-شیرپار بود. در تابستان سال ۵۴، با احساس وظیفه‌ای که برای خود بنموان یک روشنفکر انقلابی جهت مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه قائل بوده بخش مشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست.

رفیق در آذرماه ۵۵، پس از متجاوزاز یک سال مبارزه دشوار در آن شرایط خفقان، و پس از آنکه تمام نیرو و توان خود را برای رهایی زحمتکشان میهن خود بکار برد و در حالی که امید داشت روزی رژیم شاه را زکون شود، سلطه امپریالیستهای آمریکایی از جسدان زحمتکشان میهن ما بطور کامل قطع گردد و خلق

رفیق شهید فاطمه تیفگی

رفیق دانشجوی رشته رشتت شناسایی دانشکده علوم تهران بود. او بعنوان یک روشنفکر انقلابی به بخش مشعب از سازمان مجاهدین پیوست. رفیق در گروه انتشاراتی سازمان فعالیت میکرد و در آذرماه ۵۵ طی یک درگیری مسلحانه به اسارت دشمنان ساواک افتاد و در زیر شکنجه‌ها شهادت رسید. رژیم خویشوار شاه هرگز جری از او منتشر نکرد.

رفیق شهید احمد صادقی قهاره (حسین)

رفیق احمد در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده روحانی در شهر قم متولد شد. دوره تحصیلی را در حرم آگاه‌دراود سین در دانشگاه بزرگ تهران به تحصیل ادامه داد. رفیق که در سال ۴۲ خورشیدی سن کمی که داشت به فعالیت سیاسی آشنا شده بود با ورود به دانشگاه به فعالیتهای صنعتی و سیاسی دانشجویی پرداخت. شروع جشنهای سنگ آلود ۲۵۰۰۰ مین سال طبیعت و اوکتری فعالیتهای ملتنامه خردی، رفیق را از هواداران سازمان مجاهدین ساخت. او کتابخانه اسلامی دانشگاه پزشکی را احیا کرد و آنرا بصورت کانونی فعال برای مبارزات دانشجویی و حمایت از سازمان مجاهدین در آورد. رفیق در سال ۵۴ ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را پذیرفت و در بهار سال ۵۵ با بخش مشعب از س.م.ج.ا. تماس گرفت و با توجیه به اینکه فعالیتهايش برای دشمن لورفته بحساب می-آید

رفیق شهید اکرم صادقیور (نسرين)

رفیق اکرم در سال ۵۳ پس از آزادی از زندان بصورت س.م.ج.ا. در آمد و پیوسته از مدتی فعالیت علمی - مخفی، فعالیت مخفی خود را آغاز نمود. رفیق در شاخه کارگری سازمان فعالیت میکرد و در آذرماه ۵۵ که آدمکشان ساواک کشته‌ترین شبکه پلیسی خود را برای شکا انقلابیون بوجود آورده بود، در حالیکه برای تخلیه یک خانه تیمی (قبلا لو رفته) در رابطه کریم مراجعه کرده بود مورد حمله انادی ساواک و برخی عناصر قریب خورده قرار گرفت و دست به خود کشی زد.

اکنون دیگر کار در "ساواک" خیانت نیست!!

امروز گذشته از اینکه بسیاری از انجمنهای اسلامی در ادارات، موسسات دولتی، کارخانجات، مراکز آموزشی و... قربه‌الی‌الله کارساواک را انجام داده و عناصر مبارز را با هرایدئولوژی ای (به خصوص کمونیستها) شناسائی می‌کنند، هیئت حاکمه نیز برخلاف رورهای اول پس ارقیام (که امیر انتظام در مصاحبه‌های خود حیران سازای ساواک را میداد) بدور ا ر "حاروجحال" دوباره دارساواک را سروسامان میدهد! بطوریکه در بعضی از ادارات و موسسات دولتی واحد حفاظت با نام "واحد حراست" شروع بکار کرده است. خبررررر نموده دیگری است ا ر ا ر ساری ساواک.

مدتی قبل یکی از گهپانان ساواک محلله تلفن شده و ا را خواسته میشود که با بقیه خدمت خود را درساواک باز خرید کرده و باز نشسته شود، که در این صورت حقوق ماهانه ۱۵۰۰ تومان بوی داده خواهد شد، یا اینکه محدوداً خدمت برگردد. در ضمن به او گفته میشود: "اکنون دیگر مثل سابق کار شما خیانت نیست، بلکه در صورت موافقت در راه خدا و مردم فعالیت خواهید کرد!"

تحصن سپاهیان در بندرانزلی

سپاهیان دانش منقعی خدمت متحصن در اداره آموزش و پرورش بندرانزلی در رابطه با خواسته‌هایشان که بعلت احقاق آنها به تحصن دست زده‌اند، اعلامیه شماره یک خود را منتشر نموده اند که متن کامل آنرا در زیر ملاحظه کنید:

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلامیه شماره ۱

ان الله لا یغیر و ما بقوما حتی یتغیر و ما بانفسهم بهدئیکه خدا سرشت نویی را تغییر نین دهد مگر آنکه آن قوم با خرد و بخوانند مردم مبارز و آگاه اولی با سپاهیان دانش منقعی خدمت بیشتر انزلی در جهت پیشبرد و بشتر رسیدن انقلاب و تنفیذ ادوات، آموزش و پرورش شیروان به تحصن نشسته‌ایم زیرا تعدادی از سپاهیان (به تعداد ۴۱ نفر) جهت استخدام کادر آموزشی آموزگاری و ستانهای این شهر با ضوابط نادرستی انتخاب شده‌اند. حال آنکه احتیاجات و ستانهای شهر ما بیشتر از اینها است. ما اعتراض نموده نسخه‌ای از نامه خود را بشتر نامه و نسخه‌های دیگر را جهت اصلاح خدمت در سراسر کشور مثل دادپو و تقویون و مشیون و ستانین اوردستندیم. از آنجائیکه بعد از عدم تقوای ما به پیشانیان هیچ گونه جواب و تمسک اصلی در بندت و پیچیده روز تحصن عا صورت گرفت اقدام به بشتر اداره آموزش و پرورش به بندت نامعلوم نمودیم.

ما بخواننده‌هایمان رسیدگی شود. حال تدریس حق و ناحق بودن خواهش‌هایمان با شماست خواهش‌هایمان بدین شرح اند:

۱- کتبه کتبی که از ۲۵ سال پیشتر سابقه خدمت دارند باید باز نشسته شود تا از نیروی بدین جریان استفاده گردد و از تورم بیکاری به اندازه قابل ملاحظه‌ای کاسته شود.

۲- سپاهیان منقعی خدمت (پسر و دختر) این شهرستان باید هتاهکت با شیروانهای دیگر استخدام شدند. یعنی استخدام ده‌دهای سپاهی ضروری ایدام میگرد که بیکاری در سراسر کشور از آن دوره‌ها شروع شده باشد.

۳- از آنجائیکه اداره آموزش و پرورش بندر انزلی احتیاج به معلم بیشتر یعنی بیش از سهمیه‌ای که فرستاده شده (۴۱ نفر) دارد باید در تعداد سهمیه قبلی تجدید نظر بعمل آید و تعداد آن افزوده گردد. تا اکثریت سپاهیان بدادب شوند.

سپاهیان دانش منقعی خدمت متحصن در اداره آموزش و پرورش بندر انزلی

تهدیدهای محتضرانه امپریالیسم امریکا

امپریالیسم امریکا، خلق‌های قهرمان ما را به مداخله نظامی در ایران تهدید میکند! سنار خوب! اما این غارتگران و جنایتکاران حرفه‌ای و بین‌المللی باید بدانند که خلقهای مبارز ما در سبای سحره مبارزات و پیروزی خلق ویتنام را بخوبی فرا گرفته‌اند.

اگر ویتنام قهرمان شالیزارهای برنج را به گورستان تجا و زگران امپریالیسم امریکا تبدیل نمود، مسهای سارزما به همراه سایر خلقهای منطقه گورستانی به وسعت تمامی منطقه خاور میانه برای امپریالیسم امریکا و استکبان و همدستان داخلی اش تدارک دیده‌اند.

مرگ برای امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران! نابودیا دیستیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم در ایران! پرتوان باد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۹/۳-

شماره تراکت: ۹۲

مستحکم باد
پیوند رزمجویانه
خلقهای ایران و فلسطین

همانطور که در سند زیرین مشاهده میشود، فرمانداری آبادان ضمن بخشنامه‌ای خروج دکلها و ابزارها و اموال شرکت ستانف را بلا مانع اعلام کرده است. تمام کارگران میاز صنعت حفاری میدانکه شرکتیائی چون شرکت ستانف طی سالیان درازی چگونه خون کارگران ایرانی را مکیده و از این راه سودهای شرمناک آوری را بدست آورده است. شرکتیائی که حفاری که بدلیل مبارزات طبقه کارگران میاز و تن دادن به روابط و مواظبت رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خاش، روس و... شده اند، بتدریج عملیات حفاری را متوقف کرده و شروع به خارج کردن دکلهای خود نموده اند. کارگران میاز و شرکتیائی که بدفعات با این اقدامات ندکاری که منجر به بیکاری هزاران نفر کارگر میشود مخالفت کرده و جلوی کار آنها را گرفته اند.

فرمانداری آبادان در پی این اقدامات از طریق زندانهای و دیسکورهائی سرکوبگر،

بمساحت ۲۹ نوامبر روز جهانی همبستگی
با خلق فلسطین، کمترین درودهای ما را
بپذیرید. روانه دیرینه مبارزاتی ما را
بلای های ایران و فلسطین در راه ما سودی
نمکنیم امیرالعلم، بهیوشم، ارتجاع
امروز سراز هر زمان دیگر مستحکم است.
حلقه ای شهرمان مانی نالیا ما را از دستگی
باید خود از ستمانی بیدار است انقلاب
فلسطین برخوردار بوده اند امروز که خود
به دستاورد های مهم در انقلاب دیگران
و خدا امیرالعلمی ایران نائل آمده و برای
جلوگیری از تاسا ما نشان انقلاب و جهش
ادامه آن. مبارزه علیه امیرالعلم
آمریکا را او و عمو و ند بخشنده اند،
و فلسطین خود ممانند که در کنار انقلاب فلسطین
و با همبستگی حرجه عیفترا مبارزات خلق
ما این مبارزه خدا امیرالعلمی، صد -
بهیوشمی و مبارزاتی در سراسر منطقه
را ما روزی سپاهی حلقه ای ایران و عرب
سنگرانه ادامه دهند.

ما صی اعلام همبستگی مجدد:

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (۸ آذرماه ۵۸)

فرماندهی ناحیه هنگ ژاندارمری خوزستان

خواهند است به عوامل تحت اختیار (کشته ها - پلیس راه زاندارمری و غیره)
 دستورفرمایید در مسیر انتقال دکلها به بنادر آبادان و بوشهر چنانچه محور لازم از -
 طرف شرکت ملی نفت و مگرکات منطقه ارائه گردید در کار انتقال دکلها جلوگیری
 ننمایند و ضمناً در مسیر انتقال تسهیلات لازم فراهم گردد. /

5711-

- ۱- استاندارد یوشهر جهت استحصال و ایجاد تسهیلات دوا مر خروج دکلها
- ۲- شرکت ملی نفت ایران - اداره روابط مناطق نفت خیز جهت آگاهی و اجسرای تعبدات نسبت به مالیات کارگران ستانه
- ۳- شرکت حفاری ستانه جهت اطلاع و اقدام لازم نسبت به انتقال دکلها به بنادر مربوطه
- ۴- دفتر امور اجتماعی جهت اطلاع
- ۵- پلیس راه و آندارمری جهت اطلاع

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر